

The Role of the Family in Correcting Children's Behavior from the Perspective of Islamic Texts "With an Emphasis on Cognitive, Attitudinal and Behavioral Aspects"

Shirin Rashidi  *

Assistant Professor, Department of Philosophy of Islamic Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Samira Saryar 

Graduated from History and Philosophy of Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

This research has been conducted with the aim of investigating the role of the family in improving children's behavior from the perspective of Islamic texts "with an emphasis on cognitive, behavioral and behavioral areas". The research method is comparative qualitative content analysis, and in order to collect information, a library method has been used in the way of reading text and taking notes. The research method to achieve the first goal is "conceptual analysis" and to achieve the second goal is "deductive method of practical analogy". The findings of the research include the cognitive role of the family from the perspective of Islamic texts in the divine sphere (including strengthening the belief in monotheism and resurrection and the knowledge of divine parents), the cognitive role of the family from the perspective of Islamic texts in the personal sphere (for example, increasing self-awareness, intellectual development, familiarity with moral virtues), the cognitive role of the family from the perspective of Islamic texts in the collective sphere (acculturation, politeness); And also the orientational role of the family from the perspective of Islamic texts in the divine sphere (such as orientation towards spirituality, attention to divine blessings), the orientational role of the family from the perspective of Islamic texts in the individual sphere (such as strengthening self-confidence and creating a spirit

* Corresponding Author: rashidi66@atu.ac.ir

How to Cite: Rashidi, Sh., Saryar, S. (2025). The Role of the Family in Correcting Children's Behavior from the Perspective of Islamic Texts "With an Emphasis on Cognitive, Attitudinal and Behavioral Aspects", *Journal of Culture of Counseling and Psychotherapy*, 15(60), 147-192. DOI: 10.22054/QCCPC.2024.74399.3142


of contentment), the orientational role of the family from the perspective of Islamic texts in the sphere collective (including strengthening the sense of responsibility, helping); And also the behavioral role of the family from the perspective of Islamic texts in the divine sphere (such as trust in God, observing divine piety), the behavioral role of the family from the perspective of Islamic texts in the individual sphere (for example, modesty and patience), the behavioral role of the family from the perspective of Islamic texts in the sphere It is collective (such as commanding the good and forbidding the bad, charity and setting the stage for young people to marry).


Keywords: Islamic Texts, Education, Family, Child.





نقش خانواده در اصلاح رفتار کودکان از منظر متون اسلامی «با تأکید بر ساحت‌های شناختی، گرایشی و رفتاری»

شیرین رشیدی *  استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

سمیرا سریار  دانش آموخته رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

این پژوهش باهدف بررسی نقش خانواده در اصلاح رفتار کودکان از منظر متون اسلامی «با تأکید بر ساحت‌های شناختی، گرایشی و رفتاری» صورت گرفته است. روش تحقیق تحلیل محتوای کیفی قیاسی بوده و به‌منظور گردآوری اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای به شیوه متن‌خوانی و فیش‌برداری استفاده شده است. روش پژوهش برای دست‌یابی به هدف اول، «تحلیل مفهومی» و برای دست‌یابی به هدف دوم «روش استنتاجی از نوع «قیاس عملی» است. یافته‌های تحقیق شامل نقش شناختی خانواده از منظر متون اسلامی در ساحت الهی (ازجمله تقویت باور به توحید و معاد و شناخت اولیای الهی)، نقش شناختی خانواده از منظر متون اسلامی در ساحت جمعی (فرهنگ پذیری، ادب‌آموزی)؛ و نیز نقش گرایشی خانواده از منظر متون اسلامی در ساحت الهی (نظیر گرایش به معنویات، توجه به نعمت‌های الهی)، نقش گرایشی خانواده از منظر متون اسلامی در ساحت فردی (مانند تقویت خودباوری و ایجاد روحیه قناعت)، نقش گرایشی خانواده از منظر متون اسلامی در ساحت جمعی (ازجمله تقویت احساس مسئولیت، یاری‌گری)؛ و همچنین نقش رفتاری خانواده از منظر متون اسلامی در ساحت الهی (نظیر توکل به خداوند، رعایت تقوای الهی)، نقش رفتاری خانواده از منظر متون اسلامی در ساحت فردی (به‌عنوان مثال حیا و صبر)، نقش رفتاری خانواده از منظر متون اسلامی در ساحت جمعی (مانند امر به معروف و نهی از منکر، انفاق و زمینه‌سازی برای ازدواج جوانان) می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: متون اسلامی، تربیت، خانواده، کودک.

مقدمه

انسان به‌عنوان موجودی دوساحتی، دارای نیازهای متعددی است که هر یک به لحاظ تربیت تمهیدات خاص خویش را می‌طلبد؛ اما در این بین نظام باورها و نوع ادراکات افراد نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌نماید. زیرا بینش انسان بر گرایش و رفتار وی مؤثر است؛ بنابراین سیستم‌های تربیتی باید برای سامان‌دهی و اعتباردهی آگاهی‌های افراد برنامه‌ریزی‌های دقیقی فراهم نمایند و این نیز از رهگذر منابع اصیل و معتبر محقق می‌شود. قرآن کریم کتابی است که تلاوت آیات آن سبب طهارت نفوس، اجابت دعوت‌های سبب حیات و هدفش نجات بشر از ظلمت‌هاست. اکنون که پس از سال‌ها فداکاری و مجاهدت اولیای الهی و پیروان راستین آنان، زمینه طرح و اجرا شدن ارزش‌های قرآنی در جامعه اسلامی ایران فراهم گردیده و ندای نجات‌بخش اسلام به گوش جهانیان رسیده است و از سوی دیگر، دشمنان با تمام توان خویش با ابزارهای گوناگون، رشد و تعالی بشر را هدف گرفته و ارکان خانواده‌ها را متزلزل کرده‌اند، ضرورت دارد اندیشوران با تمام توان، معارف نجات‌بخش قرآن کریم و اهل‌بیت(ع) را در ابعاد گوناگون با بهترین شیوه به جامعه ارائه نمایند. یکی از مهم‌ترین نهادهای تربیتی، کانون مقدس خانواده است که می‌تواند با آراسته شدن به ارزش‌های قرآنی، تأثیری شگرف در جامعه داشته باشد (عیسی زاده، ۱۳۹۴: ۲۲). طبق آیات قرآن کریم، علاوه بر زن و شوهر، فرزندان نیز جزئی از خانواده به شمار می‌آیند.^۱ خانواده با به کار بستن روش‌های تربیتی متناسب با سن کودک خویش می‌تواند بر نظام فکری و رفتاری فرزند خویش تأثیرات ماندگاری برجای بگذارد. و موجبات اصلاح رفتار وی را فراهم سازد. روان‌شناسان «رفتار» را دربرگیرنده اعمال یک فرد تعریف می‌کنند؛ و «اصلاح رفتار» را ایجاد و به‌کارگیری شیوه‌هایی برای کمک به افراد در زمینه «تغییر رفتار»، تعریف کرده‌اند (میلتن برگر، ترجمه محمدی و جمشیدی، ۱۳۹۲: ۶). به گونه‌ای این همان تربیت نیز هست زیرا «تربیت»، به فعلیت درآوردن استعدادها بالقوه تعریف شده است (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۳). بدون شک بی

۱. «پروردگارا! به راستی که پسر من از خاندان من است» (هود: ۴۵).

توجهی به نقش تربیتی خانواده، به عنوان یک نهاد اجتماعی آثاری سوء به دنبال خواهد داشت. پس بایسته است به ابعاد مختلف این موضوع مهم بیشتر پردازیم. متفکران معتقدند که با ظهور نهادهای گوناگون اجتماعی همچون مدرسه، مهدکودک بسیاری از وظایفی که خانواده برعهده داشته، واگذار شده است و این مسئله باعث گردیده تا بنیان خانواده متزلزل گردد و در آینده‌ای نه‌چندان دور شاهد آن باشیم که واحدی به نام خانواده وجود نداشته باشد. در حالی که نهاد خانواده نقش‌هایی دارد که هیچ نهاد دیگری نمی‌تواند آن را برعهده گیرد. همچنین خانواده یکی از محوری‌ترین محیط‌های تربیتی است که در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی فرد نقش به‌سزایی را ایفا می‌کند (کاو و همکاران، ۱۳۸۴). در جهان امروز اگرچه انسان از نظر صنعت و تکنولوژی به پیشرفت‌های چشمگیری دست یافته اما به نظر می‌رسد از لحاظ اخلاقی دچار نابسامانی‌هایی شده است (ناصری، ۱۳۸۸: ۷۵). همچنین در این عصر شاهد پدید آمدن رقیبان تربیتی اثرگذار نظیر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در برابر خانواده هستیم که جهت متزلزل کردن بنیان خانواده و از دست دادن جایگاه تربیتی آن از هیچ تلاشی مضایقه نمی‌کنند. خانواده در حال حاضر با وجود نقش مهمی که در سرنوشت اعضای خود دارد، با چالش‌های بسیاری نظیر تضعیف شدن و بی‌رغبتی به مسائل دینی، رسوخ فرهنگ غربی و فاصله گرفتن سبک زندگی افراد خانواده از الگوی مورد تأکید منابع اسلامی مواجه است. در این پژوهش با رجوع به قرآن کریم و روایات آنچه را که در رابطه با خانواده و نقش تربیتی آن موجود است، مورد توجه قرار خواهیم داد و ضمن استخراج نقش‌های متفاوت آن نظیر نقش شناختی، نقش گرایشی و نقش عملی، به نقش خانواده در اصلاح رفتار کودکان از منظر متون اسلامی می‌پردازیم.

خانواده باعث می‌شود که فردهنچارها، مهارت‌ها و عقاید و الگوها را برای زندگی اجتماعی فراگیرد. کودک در خانه الگوهای رفتاری را می‌آموزد. کودک می‌آموزد که چگونه به صورت اجتماعی زندگی کند. کودکان مشاهده می‌کنند که پدران و مادرانشان چگونه رفتار می‌کنند و آن‌ها هم به تدریج نمونه‌های رفتاری اولیا خود را از طریق بازی،

تقلید و تکرار یاد می‌گیرند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۳). امروزه مسئولیت خانواده‌ها در تربیت فرزندان بیش از گذشته است و پرورش فرزندان که ثبات شخصیت و هویت اجتماعی داشته باشند، دشوارتر شده است. زیرا هجوم فرهنگ و سبک زندگی غربی و آسیب‌های ناشی از این تفکر باعث گردیده، مشکلاتی در مسیر تربیت فرزندان ظاهر شود که بخش عمده‌ای از این مشکلات به خاطر دورشدن از پیام الهی و الگوهای است که در قرآن آمده و هدف آن هدایت این کانون مقدس به سمت تعالی می‌باشد. با توجه به اهمیت نقش تربیتی خانواده و نوع روابط اعضای آن با یکدیگر در رشد و تکامل فرد و جامعه، لزوم تدبر در آیات و روایات و استخراج مفاهیم تربیتی ضرورت می‌یابد. به این ترتیب می‌توان گفت که ازدیدگاه اسلام مسئولیت اصلی تربیت فرزندان برعهده والدین است و در گذشته نیز یعنی قبل از ورود تعلیم و تربیت در شکل مدرسه و نظام آموزش و پرورش جدید، والدین متولی اصلی هدایت فرزندان بوده‌اند. بقیه عوامل از قبیل حاکمیت و رسانه‌ها گرچه نقشی عظیم در شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان دارند، اما همه از عوامل کمک‌کننده و یا تقویت‌کننده وظیفه والدین در زمینه تربیت یا در مواردی جانشین آن‌ها هستند (احمدی و نجفی، ۱۳۹۱).

تاکنون درباره نقش خانواده در اصلاح رفتار کودکان از منظر متون اسلامی، به صورت جامع و همه‌جانبه پژوهشی انجام نشده است. پژوهش‌های انجام شده عمدتاً به صورت جداگانه با تمرکز بر «خانواده در اسلام» (عبدخدایی، ۱۳۹۲؛ عیسی زاده، ۱۳۹۴؛ بستان، ۱۳۹۹؛ بهشتی، ۱۳۹۲؛ نورمفیدی، ۱۳۹۹؛ چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸؛ احمدی و نجفی، ۱۳۹۱؛ عسکرپور و همکاران، ۱۳۹۹)، «اخلاق در خانواده» (مظاهری، ۱۳۹۱)، «تربیت فرزند» (حسینی زاده، ۱۳۹۷)، یا «سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت» (شریفی و لطفی، ۱۳۹۲؛ صادقی آران‌ی و قندانی آران‌ی، ۱۳۹۴) صورت گرفته است. درحالی که در پژوهش حاضر سعی شده، همه این ابعاد در یک فرایند پیوسته با تأکید بر ابعاد بینشی، گرایشی و رفتاری مورد مطالعه قرار گیرد. یافته‌های تحقیقات پیشین گویای این است که آن‌ها به راهکارهای عملی در راستای بایدها و نبایدهای تربیتی محدود شده اند و مشخصاً به

موضوع نقش خانواده در اصلاح رفتار کودکان از منظر متون اسلامی نپرداختند یا بر جنبه‌هایی از اهمیت نقش خانواده تأکید کردند که لزوماً خروجی آن منجر به تأثیرات مثبت اجتماعی شود، بر موانع پیش روی خانواده‌ها در مسیر تربیت و ارائه راهکار برای عبور از این چالش‌ها تمرکز دارند و یا راهبردهای تربیتی پیشنهادی صرفاً جنبه رفتاری دارد و جنبه شناختی و گرایشی که بخش مهمی از فرآیند تربیت افراد است را شامل نمی‌شود. روش‌شناسی از وجوه بارز تمایز این تحقیق با سایر تحقیقات است. این تحقیق به دنبال آن است که مشخص کند نقش خانواده در اصلاح رفتار کودکان از منظر متون اسلامی چیست؟ بنابراین سوالاتی که در پی پاسخگویی به آن‌ها هستیم این است که «نقش شناختی خانواده از منظر متون اسلامی چیست؟»، «نقش گرایشی خانواده از منظر متون اسلامی چیست؟» و «نقش رفتاری خانواده از منظر متون اسلامی چیست؟». البته به مصادیق هر یک از این کارکردها در سه ساحت الهی، فردی و جمعی پرداخته می‌شود.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کیفی کاربردی است. پژوهش کاربردی، به منظور بهبود رفتارها، روش‌ها، والگوه‌های مورد استفاده جوامع انسانی انجام می‌گیرد. هدف آزمودن و بررسی امکان کاربرد دانش است و موضوع خود را در تعلیم و تربیت از مسائل و مشکلات روزمره آموزشی و تربیت انتخاب می‌کند (دلاور، ۱۳۹۱: ۳۱). برای انجام این پژوهش، از روش تحلیل محتوای کیفی قیاسی استفاده شده است. محقق در تحلیل محتوای دنباله تجزیه و تحلیل و توصیف مطالب است. در تحلیل محتوا عناصر و مطالب مورد نظر گردآوری و طبقه‌بندی می‌شود و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۷۵-۷۷). در تحلیل محتوای کیفی، داده‌ها به صورت کلمه ارائه می‌شوند که ترسیم، باز نمود و تفسیر نتایج را ممکن می‌سازد. یکی از فنون تحلیل محتوا، تحلیل مقوله‌ای است که بر پایه عملیات برش متن در واحدهای مشخص و سپس طبقه‌بندی این واحدها در مقوله قرار دارد که بر حسب مشابهت طبقه‌بندی شده‌اند (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸: ۷۹-۸۲). منطق قیاسی، از کل به جزء و از نظریه به سمت تجربه و مشاهده حرکت می‌کند (تبریزی، ۱۳۹۳).

تحلیل محتوای کیفی قیاسی عبارت است از برجسته‌سازی و بیان نظام‌مند نکات پراکنده ناظر به موضوع و مقوله‌ها. نقطه شروع آن نظریه‌ها، رویه‌ها، تحقیقات موجود و دانش متخصصان است و فرآیند تفسیر آن شامل استنتاج بر اساس مقوله، کد و روابط آن‌هاست. برون‌داد تحلیل محتوای کیفی قیاسی مفاهیم، مقولات توضیح دهنده موضوع در قالب نقشه مفهومی هستند (محسنی تبریزی و سلیمی، ۱۳۹۱). در تحقیق حاضر، پس از طراحی و تدوین سؤالات اصلی و فرعی با مطالعه پیشینه و نیز تدوین و نگارش چارچوب‌های مفهومی یا تعاریف مرتبط با هر کدام از اصطلاحات اصلی از قبیل تربیت و خانواده، متون در قالب تفاسیر معتبر قرآن کریم، کتب، مقاله‌ها با روش قیاسی به طور دقیق مورد مطالعه قرار گرفت و مصادیق و افراد این قالب‌ها یا تعاریف مفهومی، استخراج و با روش فیش‌برداری در جای خود ثبت شد. سپس با روش تحلیل مفهومی که به طور مشخص شامل شناسایی و کشف واژگان مترادف و متضاد است، نظام مفهومی مرتبط با مؤلفه مندرج در هر سؤال شکل گرفت.

یافته‌های تحقیق

تحقیق حاضر قصد دارد به این سؤال اصلی پاسخ دهد که: نقش خانواده در اصلاح رفتار کودکان از منظر متون اسلامی «باتأکید بر ساحت‌های شناختی، گرایشی و رفتاری» چیست؟ در ادامه به ابعاد مختلف آن پرداخته می‌شود:

۱- نقش شناختی خانواده در اصلاح رفتار کودکان از منظر متون اسلامی

الف- نقش شناختی خانواده در ساحت الهی

هدف از نقش شناختی، تقویت بینش‌های مخاطبان است. شناخت و بینش، خود دارای مراحل مختلفی است. این مراحل را گاه به ترتیب، دانش، درک، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی می‌دانند (گرونلند، ترجمه صفوی، ۱۳۸۲: ۵۳-۵۵). می‌توان این گونه نتیجه گرفت که هدف از نقش شناختی خانواده این است که اعضای آن با طی مراحل ذکر شده، به شناخت لازم نسبت به خود، جامعه، طبیعت و ماورای طبیعت برسند. اکنون با

پرداختن به مصادیقی از کارکردشناختی خانواده که در قرآن نیز به آنان اشاره شده، به وضوح بهتر این موضوع کمک می‌کنیم.

- تقویت باور به توحید

توحید، سرچشمه همه معارف الهی است. توحید، یعنی یگانه دانستن خدا؛ و این که به جز او خالق و وجود دهنده‌ای نیست (دانش، ۱۳۸۹). فردی که از همان دوران کودکی، در خانواده‌ای رشد پیدا کرده که خدا را ناظر بر اعمال خویش می‌بیند، تلاش می‌کند تا در برابر خدا، خود، اطرافیان و محیط پیرامون خود وظایف خویش را به نحو احسن انجام دهد. امیرالمؤمنین علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «سرآغاز دین، خداشناسی است، و کمال توحید اخلاص است» (نهج البلاغه: خطبه ۱). همچنین از امام صادق (ع) نقل شده است: «بافضیلت‌ترین واجبات و واجب‌ترین فرائض بر انسان معرفت پروردگار می‌باشد و اقرار در مقابل او بر عبودیت خویشتن» (حسینی طهرانی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۴۶). گرچه اعتقاد به خدا در کودکان امری فطری است و نیاز به اثبات ندارد اما حتی در کودکی نباید از تقویت زیربنای اعتقادی غافل ماند و می‌توان آن‌ها را به زبانی ساده مطرح کرد (باهر، ۱۳۸۳: ۱۸۰)؛ بنابراین اگر پدر و مادر فطرت خداشناسی و خداجویی را در کودک شکوفا سازند به دنبال آن کلیه ارزش‌های معنوی و فضائل دیگر زنده خواهد شد. اعتقاد به وجود خالقی که ناظر بر اعمال ماست همواره کودک را در برابر گناهان حفظ خواهد کرد و هر قدر این اعتقاد قوی‌تر باشد مصونیت فرزند بیشتر خواهد بود (غروریان، ۱۳۷۴: ۱۳۹). چنانچه امام سجاد (ع) درباره وظیفه پدر فرمودند: «تو درباره سرپرستی فرزند خود مسئولیت داری که او را خوب تربیت کنی و پروردگارش را به او بشناسانی» (حرّانی، ۱۳۶۳، ترجمه کمره‌ای: ۲۶۳). سرّ اهتمام به اعتقاد توحیدی آن است که فقط انسان موحّد می‌تواند دارای فضایل نفسانی باشد، زیرا اگر نیروی تعدیل‌کننده‌ای نباشد امیال نفسانی از هر سو انسان را به انحراف فرا می‌خوانند. انسان موحّد، به دلیل این که مبدأ کمال را همواره با خود می‌بیند: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ» (حدید: ۴)، همواره فضایل خویش را حفظ می‌کند و مایه خیر و برکت است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۱۰۰).

-توجه به معاد

یکی از مسائل مهمی که باید پدر و مادر به آن توجه نمایند، آگاه نمودن فرزندان از مسئله معاد است؛ همان‌گونه که لقمان حکیم پس از نصیحت فرزندش مسئله حسابرسی اعمال در قیامت را به وی گوشزد کرده است. «پسرکم! اگر عمل هم وزن دانه خردلی و در درون سنگی یا در آسمان‌ها یا در دل زمین باشد، خدا آن را می‌آورد؛ یقیناً خدا لطیف و آگاه است»^۱. آشنایی کودکان با زندگی ابدی، آنان را از رکود فکری و محدودیت افق دید نجات می‌دهد. یاد معاد یک محرک قوی است که نوجوانان را نه تنها به سوی ارزش‌های انسانی هدایت می‌کند، بلکه استعداد آنان را برای بهسازی زندگی دنیایی و آخرتی، بیش از پیش شکوفا می‌سازد. آن‌ها در سایه معاد، آزاد، مستقل و با عزت خواهند زیست. حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) درباره معاد این چنین رهنمودهایی بیان فرموده‌اند: «پسر! تو را از دنیا و از آخرت و آنچه برای اهلش در آنجا آماده شده خبر دادم، و برای تو در رابطه با هر دو جهان مثل‌ها زدم تا به آن‌ها پندگیری و بر اصول آن گام برداری. آگاه‌باش که در پیش رویت گذرگاه سختی است، آن که سبکبار است در آن گذرگاه حالی بهتر از سنگین‌بار دارد، و آن که دچار‌کندی است بدحال‌تر از شتابنده در آن است. در آن جا محل فرود آمدنت به ناچار یا در بهشت است یا در جهنم، پس پیش از در آمدنت به آن جهان توشه آماده کن، و قبل از ورودت منزلی فراهم ساز که بعد از مرگ تدارک کردن از دست رفته ممکن نیست، و راه بازگشت به دنیا برای همیشه بسته است. پسر! معلومت باد برای آخرت آفریده شده‌ای نه برای دنیا» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱).

-شناخت اولیای الهی

در قرآن کریم از اولیای الهی با عنوان اسوه یاد شده است. اسوه به معنای الگو و نمونه است. هیچ‌یک از افراد و هیچ گروهی از جوامع انسانی در دنیا بدون الگو زندگی نمی‌کنند. آن‌ها که گمان دارند مستقل‌اند و الگو ندارند، خود نمی‌دانند که ناخودآگاه الگوی زندگی را

انتخاب کرده‌اند. بی تردید انسان در زندگی جمعی اثرپذیر و احیاناً اثرگذار است و همه برای خود الگو دارند. در میان شیعیان، امیرالمؤمنین علی(ع) و فرزندان ایشان به‌عنوان اسوه پذیرفته شده‌اند، در یک خانواده، پدر یا مادر الگوست و در مدرسه، معلم و مدیر و در دانشگاه، استاد و در میان ورزشکاران، قهرمانان و غیره. قرآن با توجه به این که داشتن الگو امری ضروری و عمومی است، اصل مسأله را مسلم گرفته و مصداق الگو و شرایط آن را مطرح می‌کند و می‌فرماید: «مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود»^۱. نکته دیگری که از آیه «اسوه» می‌توان برداشت کرد، این است که پیامبر به‌عنوان اسوه و سرمشق و انسان کامل برقله‌ای از فضیلت و اخلاق گام نهاده و در پیشاپیش جمعیت قطب‌نما و قبله‌گاه امت است و پیروانش به سوی او حرکت می‌کنند ولی هیچ‌گاه به او نمی‌رسند (مهدوی کنی، ۱۳۸۰). از آنجا که حواس و عقل انسان توانایی محدودی دارند، انسان باید با کمک انسان‌های کاملی که خداوند به‌عنوان الگو برای بشریت فرستاده مسیر حقیقت را تشخیص دهد. خداوند متعال می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بپرهیزید! و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوئید!»^۲؛ بنابراین یکی از نقش‌های خانواده می‌تواند ایجاد شناخت صحیح از اولیای الهی باشد. در این راستا والدین باید در شناخت اهل بیت(ع) به فرزندان خویش و شرکت دادن آن‌ها از دوران کودکی در مراسم‌های دینی اهتمام بورزند (سنگاری، ۱۳۹۳). رسول خدا(ص) به علی(ع) فرمود: بر حقانیت سه چیز من سوگند یاد می‌کنم: همانا تو و جانشینان پس از تو، معرفی‌کنندگان هستی که خداوند به جز از راه معرفت شما شناخته نشود و معرفت بهشتیانید زیرا به‌جز کسی که شما را بشناسد و شما او را بشناسید کسی به بهشت نمی‌رود و معرفت دوزخیانید زیرا به‌جز کسی که شما را انکار کند و شما انکار کنید کس به آتش دوزخ نمی‌افتد (ابن بابویه، ترجمه خلیلی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۲۵۳). بدین ترتیب رفتارهای فرزندان خانواده با اثربخشی نقش شناختی خانواده در ساحت الهی در سایه شناخت جایگاه اولیای الهی و مانوس شدن با آن‌ها اصلاح

۱. احزاب، ۲۱.

۲. مائده، ۳۵.

می‌گردد.

ب- نقش شناختی خانواده در ساحت فردی

-افزایش خودآگاهی

انسان با خودآگاهی به توانمندی‌ها و ویژگی‌های فطری خود پی می‌برد و فقرذاتی و تعلق به قدرت لایتناهی پروردگار را در خود درک می‌کند. خودشناسی، زیربنای سعادت بشر در همه شئون مادی و معنوی است. آدمی در پرتو خودشناسی از نیازهای درونی و برونی خود آگاه می‌شود (رفیعی مقدم و فقیهی، ۱۳۹۰). خداوند در قرآن کریم در ارتباط با این موضوع می‌فرماید: «و در وجود شما نشانه‌هایی است آیا نمی‌بینید؟^۱. از دلایل توجه خاص قرآن کریم به این مهم آن است که آدمی به تربیت و هدایت خویش اهمیت بدهد و گمراهی دیگران او را از هدایت باز ندارد، چنانچه فرموده است: «ای اهل ایمان! مراقب خودباشید»^۲. خانواده بستری است برای این که کودک هم زمان باطنی کردن مراحل رشد، با پرسیدن سؤال و کنجکاوی، خود را کشف کند و توانایی‌های خود را بشناسد. انسان اگر خود را بشناسد، به حقایق طبیعت و اسرار خلقت آگاهی خواهد یافت. این به جهت هماهنگی و ارتباطی است که بین جهان‌شناسی و انسان‌شناسی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۲۱). برخی از آیات قرآن کریم که به خودآگاهی در انسان اشاره دارند عبارت‌اند از: «اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید»^۳؛ «هر کس هدایت شود، برای خود هدایت یافته و آن کس که گمراه گردد، به زیان خود گمراه شده است و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد»^۴؛ «دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد کسی که (به وسیله آن، حق را) ببیند، به سود خود اوست

۱. ذاریات، ۲۱.

۲. مائده، ۱۰۵.

۳. اسراء، ۷.

۴. اسراء، ۱۵.

و کسی که از دیدن آن چشم پیوشد، به زیان خودش می‌باشد»^۱؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب خودباشید! اگر شما هدایت یافته‌اید، گمراهی کسانی که گمراه شده‌اند، به شما زبانی نمی‌رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست و شما را از آنچه عمل می‌کردید، آگاه می‌سازد»^۲. بر اساس این آیات در می‌یابیم که آگاهی به کیفیت اعمال و نتایج آن‌ها برای انسان سودمند خواهد بود و بدین سبب انسان در فرصت کوتاه عمر باید در راه خودشناسی گام بردارد. هرچه کودک تصویر واقعی‌تری از خود داشته باشد به خودشناسی نزدیک‌تر می‌شود. خودآگاهی به معنای شناخت نسبت به نقاط ضعف و قوت، علایق و سلیق، و نیز افکار و کردار، و به طور کلی شناخت نسبت به «خود» در قرآن کریم برای انسان امری واضح است: «انسان خود به وضع خویش بیناست»^۳. اگر فرزندان در خانواده، نیازهای ضروری خویش را بشناسند و با کمک و راهنمایی والدین و تلاش خویش آن‌ها را مرتفع سازند، به آرامش درونی و حس رضایت خاطر می‌رسند. خودآگاهی باعث می‌شود فرد در زندگی خود اهداف واقعی را دنبال نماید و از دنبال کردن اهداف تخیلی و کمال‌گرایانه در امان باشد. «این که انسان بداند که برای رشد و تکامل آفریده شده نه برای رفاه و آسایش^۴ و نیز باور به اینکه انسان مسافری در حال رفتن است، باعث آمادگی بیشتری برای قبول مشکلات می‌شود و نیز اینکه ما از خداییم و به سوی خدا برمی‌گردیم»^۵ (تهرانی، ۱۳۹۱: ۱۱۱-۱۱۰). خودآگاهی در قرآن به معنای بازیابی حقیقت خویش به واسطه پرورش استعدادهای فطری و سپس درک قلبی حقایق هستی و اسماء و صفات الهی است. از این رو خودآگاهی دارای مراتب مختلفی بوده که مرتبه کامل آن خودآگاهی حضوری است. بر اساس فرموده خداوند در قرآن، آنچه با خودآگاهی منافات داشته و مانع آن بوده، «خودفراموشی» است که در اثر «خدا فراموشی»

۱. انعام، ۱۰۴.

۲. مائده، ۱۰۵.

۳. قیامت، ۱۴.

۴. «ما انسان را در رنج آفریدیم و زندگی او پراز رنج هاست!» (بلد: ۴).

۵. «ما از آن خدائیم؛ و به سوی او باز می‌گردیم» (بقره: ۱۵۶).

است: «و همچون کسانی نباشید که خدایا فراموش کردند و خدا نیز آن‌ها را به خود فراموشی گرفتار کرد» (حشر: ۱۹). «خدای سبحان انسان را با سرمایه‌های علمی و عملی آفریده است. دارایی‌های علمی او دو گونه است: حصولی و حضوری؛ علم حصولی همان آموزه‌های اکتسابی است که از راه اندام‌های ادراکی، مانند چشم و گوش و به رهبری عقل به دست می‌آید و انسان در آغاز تولد، تنها از ابزار تحصیل آن بهره‌مند است^۱. از نظر علم حضوری و شهودی، خداوند انسان را با سرمایه‌ای گرانبها آفرید و آن تسویه جان آدمی و آفریدن وی با الهام به فجور و تقواست^۲. تسویه جان آدمی با آگاهی او به زشتی‌ها و زیبایی‌هاست» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۲۴-۳۲۳). شرط هدایت‌پذیری، داشتن آگاهی است. خداوند تمام عالم را دارای «هدف، شعور و هدایت می‌داند»^۳. هدایت، تعیین کمال مناسب یک شیء و راه رسیدن به آن است. البته میزان حیات هر انسانی با درجه علم و مرتبه عمل او همسان است» (همان: ۴۰-۳۴)؛ بنابراین خودآگاهی با ارتقای سطح علمی رابطه مستقیمی دارد. هرچه محیط خانواده از این حیث مستعدتر باشد خودشناسی با درجه بالاتری محقق می‌گردد.

-فکرپروری

یکی از آموزه‌های قرآن کریم دعوت به تفکر است؛ مانند تفکر در مخلوقات خدا، تفکر در اعمال خود، تفکر در تاریخ و اقوام گذشته. پس تفکر یکی از عوامل مهم برای رشد انسان است. قرآن مقام کسی را که از عقل خود استفاده نمی‌کند را تا حد حیوان تنزل می‌دهد: «بدترین جنیندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی‌کنند» (انفال: ۲۲). در روایات نیز بر اهمیت تفکر و تعقل با تعابیر مختلفی این چنین تأکید شده

۱. «و خداوند شمارا از شکم مادرانتان خارج نمود درحالی که هیچ چیز نمی‌دانستید؛ و برای شما، گوش و چشم و عقل قرار داد، تا شکر نعمت او را بجا آورید!» (نحل: ۷۸).

۲. «وقسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته، و به او شر و خیر او را الهام کرد» (شمس: ۸-۷).

۳. «و هر موجودی، تسبیح و حمد او می‌گوید؛ ولی شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید» (اسراء: ۴۴)؛ «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده؛ سپس هدایت کرده است» (طه: ۵۰).

است: عقل «زینت، شفا، حقیقت انسان، اصلاح کننده هر چیزی، برترین امیدورای، چشمه خوبی، مرکب دانش» است؛ میوه درخت عقل سخاوت و حیا است، با عقل صبر زیاد می شود، ثروتی مانند عقل نیست، کسی شجاع تر از عاقل نیست، خوشبخت ترین مردم عاقل است» (تمیمی آمدی، ترجمه رحمتی شهرضا، ۱۳۹۳: ۴۶۲-۴۵۱). بدین ترتیب در می یابیم پرورش فکر می تواند موجب پرورش بسیاری از فضائل در انسان شده و انتخاب های انسان را آحسن نموده و مسیر زندگی انسان را متحول گرداند. مجهز بودن فرزندان به برهان موجب رشد آن ها در عرصه های مختلف می شود. یکی از نمونه های بارز رشد یافته قرآنی، حضرت ابراهیم (ع)^۱ است که خداوند او را به عنوان اُسوه معرفی کرده و در سیره ایشان می خوانیم که با اقامه برهان و استدلال عقلی^۲ با کفار و مشرکان مقابله کردند. تفکر یک فعالیت ذهنی است. تفکر کودکان به تدریج رشد پیدا می کند. یکی از مهم ترین مسائلی که والدین و روان شناسان کودک با آن درگیر می باشند و سعی در نحوه پرورش و تقویت آن در کودک دارند، مربوط به حس رغبت، برانگیختن انگیزه، حس کنجکاوی و پرورش قوای فکری کودکان است (قائمی تهرانی، ۱۳۸۷). از دیگر شیوه هایی که با به کار گرفتن آن می توان توانایی اندیشیدن را در کودک پرورش داد، مواجه کردن کودک با سؤال و مسئله است. با اندکی تأمل در آیات الهی، متوجه می شویم که بسیاری از مسائل آموزشی به صورت سؤال مطرح شده است تا از این طریق انسان ها را نسبت به حقایق بیدار کند (ربیعی، ۱۳۹۲)؛ بنابراین قصه گویی، بازی، مشورت کردن می تواند ابزاری برای کمک به کودکان برای بهتر اندیشیدن باشد. در سوره های مختلف قرآن کریم قصص مختلف بیان شده است و نکات تربیتی انسان ساز در خلال داستان ها به مخاطب آموزش داده شده است.

– آشنایی با فضایل اخلاقی

خانواده نخستین محیط آموزش و پرورش فرزندان است. فضایل اخلاقی در این محیط رشد

۱. «وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ» (انبیاء: ۵۱)

۲. «وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ» (انعام: ۸۳)

می‌کند و سنگ بنای اخلاق انسان در خانواده نهاده می‌شود؛ اما این پدر و مادر هستند که باید در عمل ارزش‌های اخلاقی نظیر صداقت، امانت‌داری، احترام متقابل، سپاسگزاری، مهربانی، محبت، سخاوت و غیره را به فرزندان خود، بیاموزند. ارزش‌ها، معیارهایی هستند که فرد به وسیله آن، باورها و رفتارهای خود و دیگران و امور پیرامونی را ارزیابی می‌کند. کسی که باورهایش را نشناسد نمی‌تواند ارزش‌هایش را در زندگی تعریف کند، دست به انتخاب بزند، منطقی تصمیم‌گیری کند و در جهت رشد و پیشرفت خود گام بردارد. خانواده می‌تواند به فرد کمک کند تا ارزش‌های واقعی را از ارزش‌های کاذب بازشناسد و با توجه و عمل براساس آن به رضایت از زندگی دست یابد. «پدر و مادری که عملشان منطبق با اسلام نیست، برای حرکت فرزند به سوی اسلام، نظیر سرعت گیر است که نیروی حرکت او را می‌گیرند؛ اما پدر و مادری که رفتارشان طبیعی است، برای سیر ایمانی طفل، یاری دهنده و زمینه ساز هستند» (حائری شیرازی، ۱۳۹۹: ۱۱۵). حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «دلت را با موعظه زنده کن و با بی‌رغبتی به دنیا بمیران، آن را با یقین قوی کن و با حکمت نورانی نما» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). والدین از این بیان حضرت امیرالمومنین علی (ع) می‌توانند برای تربیت و اصلاح رفتارهای فرزندان خویش بسیار بهره ببرند و فضای زندگی خانوادگی را سرشار خیر و فضیلت نمایند. به‌طورمثال از روش موعظه استفاده نموده، با زندگی سرشار از زهد و بدون افراط و تفریط و نیز با فراهم آوردن فضای پویای علمی در خانه و ارتقای فرهنگ گفتگوی مدلل، خانواده را اداره نمایند.

ج- نقش شناختی خانواده در ساحت جمعی

- فرهنگ پذیری

وقتی گروه‌ها و جوامع مختلف باهم ارتباط برقرار می‌کنند، از فرهنگ یکدیگر اثرپذیری دارند و مسئله فرهنگ‌پذیری پیش می‌آید. فرهنگ منحصر به انسان است. فرهنگ‌پذیری^۱، جریانی است که فرد را عمیقاً از هر لحاظ با فرهنگ جامعه همانند می‌کند و او را کمابیش

با هنجارهای اجتماعی سازگار می‌گرداند. جریان فرهنگ‌پذیری فرد به دو صورت پیش می‌رود: ۱. از طریق خانواده و مدرسه آگاهانه هنجارهای زندگی گروهی را به کودک می‌آموزند. ۲. گاهی زندگی گروهی خود به خود فرد را جامعه‌پذیر می‌کند، چنان که رفتار پدر و مادر بی‌آنکه خود آنان متوجه باشند، سرمشق رفتار کودکان و نوجوانان می‌گردد (آقازاده و آرمند، ۱۳۹۸: ۹). از تأثیر والدین و سایر نگهدارندگان اصلی کودکان بر وی نباید غافل بود زیرا آن‌ها در آموزش هنجارهای اجتماعی و تکامل شخصیت کودک بسیار مؤثر هستند. ناهنجاری در آموزش رفتار اجتماعی صحیح منجر به پرورش افراد بزهکار و تکانشی می‌شود و بیشتر این افراد از اختلال سلوک، عدم سازگاری و افسردگی رنج می‌برند (احمدی و نجفی، ۱۳۹۱). از آنجایی که بیشتر اوقات فرد در خانواده سپری می‌شود و روابط عاطفی نیز در آن وجود دارد، مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگ و ارزش‌های جامعه، خانواده است. در جامعه‌ای که سبک زندگی خانواده بر تعالیم دینی منطبق باشد، فرهنگ آن جامعه به فرهنگ اسلامی تبدیل خواهد شد. یک مبنای مهم در جامعه دینی عبارت است از اعتقاد به محوریت توحید در جامعه^۱ و اینکه حرکت انسان‌ها در جامعه اسلامی در جهت تقرب به خدا، رعایت تقوا و خدمت به خلق اوست. جامعه دینی جامعه‌ای عدالت‌محور، برپا دارنده قسط، احسانگر، ولایت‌محور، اخلاق‌محور، حق‌مدار، خردگرا، کمال‌جو، عزت‌خواه و وحدت‌گرا است^۲ (ضرابی، ۱۳۹۸: ۱۷۶-۱۰۱)؛ بنابراین والدین می‌توانند از طریق روش‌های مختلف نظیر معرفی کتاب، نقل سرگذشت

۱. «ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (انعام: ۱۰۲).

۲. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)؛ «بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ» (بقره: ۸۳)؛ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...» (نور: ۵۵)؛ «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه: ۳۳)؛ «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ... لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (بقره: ۱۶۴)؛ «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً...» (بقره: ۲۱۳)؛ «مَنْ كَانَ يُرِيدَ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر: ۱۰)؛ «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران: ۱۰۳).

مفاخر و نیز با مرور خاطرات و تجربیات خویش فرزندان را با روش غیرمستقیم با فرهنگ جامعه و مهارت‌های زندگی آشنا سازند و آن‌ها را برای زندگی در دوران بزرگسالی آماده نمایند.

-ادب آموزی

ادب آموزی حقی از حقوق فرزند بر والدین و یکی از مصادیق مهم نقش تربیتی والدین است. در آموزه‌های اسلامی، از ادب به‌عنوان بهترین هدیه که والدین به فرزند خود تقدیم می‌کنند، نام برده می‌شود (پناهی، ۱۳۹۸: ۱۷۶). امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در این خصوص فرمودند: «وَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَيُحَسِّنَ آدَبَهُ، وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ؛ حَقُّ فَرْزَنْدِ بَرِّ پَدْر، آن است که نام خوب بر او بگذارد و او را خوب تربیت کند و قرآن به او بیاموزد» (نهج‌البلاغه: حکمت ۳۹۹). ادب موجب ارزشمندی، برخورداری از روابط سالم و پایدار و نیز مورد تشویق و تکریم قرار گرفتن می‌شود. اخلاق خوب، حسن ظن، خوش‌رویی، تواضع، وفاداری، مدارا، عفت کلام، تکریم دیگران و خیرخواهی همگی از مصادیق ادب است که سبب جلب محبت و دوستی می‌شود (آذربایجانی، ۱۳۸۲: ۲۶۴). در قرآن کریم نیز لقمان حکیم رهنمودهای تربیتی در راستای تأدیب فرزند خویش ارائه می‌دهد: «متکبرانه روی از مردم برمگردان، و در زمین با غرور راه مرو، همانا خدا هیچ خودپسند فخر فروش را دوست ندارد، و در راه رفتنت میانه‌رو باش، و از صداقت بکاه»، لقمان به فرزندش پاره‌ای از مسائل اخلاقی در ارتباط با مردم را یادآوری نموده است که از جمله آن‌ها می‌توان به تواضع، اعتدال در راه رفتن و سخن گفتن نام برد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۵۶۰).

-احترام به حقوق دیگران

انسان از جایگاه ویژه‌ای در میان مخلوقات خداوند متعال برخوردار است؛ زیرا انسان دارای

توانایی خردورزی است و با انتخاب آگاهانه خویش می‌تواند بر سرنوشت خود و دیگران مؤثر واقع شود. از طرفی بر اساس مبانی انسان‌شناختی اسلامی، انسان دارای کرامت ذاتی^۱ است. در نتیجه احترام به شأن انسان ضروری است. و هر اقدامی که وی را از مقام انسانیت دور نماید جایز نمی‌باشد. شناخت حقوق و وظایف خود نسبت به دیگران یکی از ارکان زندگی اجتماعی است. والدین می‌توانند فرزندان خود را در این امر یاری رسانند. شناخت قوانین و مقررات اجتماعی نیز از ملزومات این مهم به شمار می‌رود. در این میان رعایت معیار تقوا می‌تواند به عنوان میزان عمل قرار گرفته و انسان‌ها را در تشخیص خیر از شر در اعتقادات و عمل یاری دهد.^۲

والدین با آموزش تقوای حضور و مهارت‌های خودکنترلی به فرزندان خویش می‌توانند آن‌ها در مدیریت روابط خویش در جهت احترام به حقوق دیگران کمک نمایند. خانواده اساس اجتماع است. افرادی که اعضای خانواده و اجتماع را شکل می‌دهند، هر یک دارای حقوق‌اند. در متون دینی برای هر یک از اعضای خانواده حقوقی تعیین شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: الف. حق نفقه^۳، ب. تساوی حق زن و مرد^۴، ج. حقوق والدین^۵ و غیره (جوادی آملی، ۱۴۰۰: ۳۱۹-۳۰۵). قرآن کریم «خفص جناح» را گاهی برای احترام به کار می‌برد و به فرزندان دستور می‌دهد که در برابر پدر و مادر «خفص جناح»، کنید: «و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: «پروردگارا! همان‌گونه که آن‌ها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!»^۶ (جوادی

۱. «ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم» (اسراء: ۷۰).

۲. «اگر خدا بپرهیزد، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد؛ (روشن‌بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت؛)» (انفال: ۲۹).

۳. «ومهر زنان را به عنوان یک بدهی (یا عطیه) به آنان بپردازید!» (نساء: ۴).

۴. «وکسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می‌شوند و کمترین ستمی به آن‌ها نخواهد شد.» (نساء: ۱۲۴).

۵. «ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند.» (احقاف: ۱۵).

۶. اسراء، ۲۴.

آملی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۱۲۴). پس نتیجه می‌گیریم یکی از نقش‌های خانواده آموزش حقوق و تکالیف به فرزندان است و به این صورت می‌تواند نقش شناختی خویش را در ساحت جمعی محقق سازد.

۲- نقش‌گرایی خانوادگی در اصلاح رفتار کودکان از منظر متون اسلامی

هر گرایشی متوقف بر نوعی بینش است؛ بنابراین، مرحله‌گرایی که از دانش پیش‌نیاز حاصل می‌شود، مقدم بر مرحله‌گرایی است (فتحعلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۶۶-۳۶۷). میل‌های باطنی انسان را به چهار دسته غرائز، عواطف، انفعالات و احساسات تقسیم می‌کنند. عواطف، میل‌ها و گرایش‌هایی مثبت‌اند که انسان در رابطه با انسان‌های دیگر دارد، مانند عاطفه مادر نسبت به فرزند خود گاه برای گرایش نیز مراحل را در نظر می‌گیرند که به ترتیب، عبارت‌اند از: دریافت، واکنش، ارزش‌گذاری، سازمان‌بندی و تبلور (گرونلند، ترجمه صفوی، ۱۳۸۲: ۵۶-۵۹). از مباحث مطرح شده می‌توان به اهمیت جایگاه خانواده در شکل‌گیری گرایش‌های افراد، که منجر به رفتارهای درونی یا بیرونی آن‌ها می‌شود، پی‌ببریم. زیرا پرورش اولیه انواع گرایش‌های انسان در محیط خانواده رقم می‌خورد. حال به مصادیقی از کارکرد گرایشی خانواده که آیات قرآن نیز به آن پرداخته، در سه حوزه الهی، فردی و جمعی اشاره می‌نماییم:

الف- نقش‌گرایی خانوادگی در حوزه ساحت الهی

- گرایش به معنویات

«فطرت خداخواهی که مقوم درونی همه انسان‌هاست، در تمام آنان یکسان است. همان‌طور که عامل بیرونی، یعنی دین که سرپرست این فطرت و قیّم بیرونی او است، در همگان یکسان است» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۱۵۷). توجه به معنویت و دین‌داری که اساسی‌ترین عامل امنیت و آرامش درونی خانواده است، زمانی معنا پیدا می‌کند که انسان را گوهری گران‌بها در گنجینه آفرینش بدانیم که دو جلوه جسم خاکی و جان روحانی دارد. جان او ارزشی برتر از بهشت دارد که همان دیدار حق است. والدین همان قدر که در اندیشه تغذیه

سالم برای رشد جسمی فرزندان خویش هستند می‌بایست به غذای روح آن‌ها نیز توجه نمایند. «سلامت بُعدمادی انسان، وسیله‌ای برای تکامل بُعدمعنوی و روحانی او می‌باشد» (خوانین زاده و همکاران، ۱۳۹۴). والدین باید در زمینه مسائل اعتقادی برنامه‌ریزی دقیقی داشته باشند و از همان سال‌های آغازین که روح پاک فرزندان آمادگی پذیرش بیشتری دارد^۱ با زبانی ساده و روش‌هایی مناسب مطالبی نظیر خداشناسی و غیره را به کودک عرضه نمایند. به‌طور مثال بر اساس تعالیم قرآنی باید کودکان را آخرت‌گرا تربیت نمود. کودک باید با آثار و نتایج سوء دنیاطلبی آشنا شود تا بُعد معنوی وجود کودک که همانا گرایش‌های فطری اوست شکوفا شود. همچنین با نظر به آموزه‌های قرآنی در توصیف دنیا^۲ تمهیدات تربیتی برای کودک در نظر گرفته شود؛ بنابراین خانواده‌هایی که زندگی خود را براساس آموزه‌های اسلامی بنا نهاده‌اند و انسان را محصور در این دنیای مادی نمی‌دانند، برنامه‌هایی را برای فرزندان فراهم می‌کنند که علاوه بر اینکه ضامن سلامتی جسم آنان باشد، سلامتی روحشان نیز تأمین گردد. آنان با اهتمام به وظایف دینی به‌ویژه نماز، و شرکت در مجالس ذکر اهل بیت (ع)، پرهیز از غیبت و عیب‌جویی از دیگران، از روح فرزندان خود محافظت نموده و گرایشات آنان را به سمت امورات الهی هدایت می‌نمایند. به‌عنوان مثال می‌توان برنامه‌هایی برای حفظ قرآن و احادیث برای فرزندان در نظر گرفت. امام صادق (ع) در این خصوص فرمودند: «هر کس از پیروان ما چهل حدیث را حفظ کند، خداوند در روز رستاخیز او را دین شناس محشور کرده و هرگز او را گرفتار عذاب نسازد» (ابن بابویه، ترجمه جعفری، ۱۳۹۶، ج ۱: ۵۱۵). همچنین پیامبر اکرم (ص) فرمودند: انسان

۱. «دل نوجوان مانند زمین خالی است، هر آنچه در آن انداخته شود، می‌پذیرد» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

۲. «بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخر فروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است و... زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست!» (حدید: ۲۰). همچنین خداوند می‌فرماید: «آن کس که زندگی زودگذر دنیا را می‌طلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم می‌دهیم سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد، که در آتش سوزانش می‌سوزد در حالی که نکوهیده و رانده در گاه خدا است؛ و آن کس که سرای آخرت را بطلبد، و برای آن سعی و کوشش کند- در حالی که ایمان داشته باشد- سعی و تلاش او، (از سوی خدا) پاداش داده خواهد شد» (اسراء: ۲۰-۱۹).

خردمندی که مغلوب هوای نفس نباشد، باید ساعت‌های شبانه روز خود را این‌گونه تقسیم کند: ۱-ساعتی را با پروردگار به دعا پردازد. ۲-ساعتی را به محاسبه نفس خویش اختصاص دهد. ۳-ساعتی را به کار و صنع خداوند درباره خودش بیندیشد. ۴-ساعتی از نعمت‌ها و لذت‌های حلال بهره برگیرد (حرعاملی، ترجمه انصاری، ۱۳۹۴: ۴۳۰).

- توجه به نعمت‌های الهی

نعمت، منفعتی است که کسی از باب احسان به دیگری می‌رساند و منظور از منفعت، لذت و سرور است، به شرط آن که ضرر بزرگ‌تری در پی نداشته باشد. انسان اصل هستی و حیات خویش را وام‌دار ذات اقدس الهی است. افزون بر این هر خیر و منفعتی که به او می‌رسد، همه از جانب خداست^۱. قرآن کریم می‌فرماید: «و از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد؛ و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، هرگز آن‌ها را شماره نتوانید کرد!»^۲ (تهرانی، ۱۳۹۱: ۲۲۶). یادآوری نعمت‌های الهی از جمله شیوه‌هایی است که در ایجاد انگیزه برای توجه دادن فطرت پاک کودک به صاحب نعمت و سپاسگزاری از او بسیار مؤثر است. ذکر نعمت‌ها می‌تواند زمینه بسیار مناسبی برای رشد و تعمیق بینش الهی کودک و در نتیجه گرایش به صاحب نعمت و زمینه‌های شکرگزاری در آنان فراهم سازد (سنگاری، ۱۳۹۳). در آیات و روایات زیادی به این روش توجه داده شده است. از جمله، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خداوند را برخودتان یاد کنید»^۳. والدین باید کمک این روش محبت خداوند را در دل کودک جای می‌دهند. در این صورت، او باشوق و عشق درونی به احکام و تکالیف الهی عمل می‌کند. برای رسیدن به این هدف، ضروری است از نعمت‌ها، مهربانی، بخشندگی و توجه خاص خداوند به بندگانش سخن بگوییم و او را بهترین دوست انسان‌ها معرفی کنیم (شاملی و همکاران، ۱۳۹۰). این یادآوری نعمات الهی، شامل دوره کودکی و محدود به فرزندان خانواده نمی‌شود، بلکه شایسته است همه

۱. «آنچه از نعمت‌ها دارید، همه از سوی خداست» (نحل: ۵۳).

۲. ابراهیم، ۳۴.

۳. مائده، ۱۱.

اعضای خانواده روحیه سپاسگزاری از خداوند متعال را داشته باشند. همچنین یادآوری نعمت‌های الهی باعث می‌شود که فرد از ارتکاب گناه پرهیز نماید. در این راستا در «مناجات شعبانیه» به ما آموزش داده شده که چنین با خداوند راز و نیاز کنیم: «خدای من! در طول زندگی‌ام همواره به من نیکی کردی. پس نیکی خود را به هنگام مرگم از من قطع مکن. خدای من! چگونه از نگاه نیکوی تو پس از مرگم ناامید شوم، حال آن که در زندگی‌ام، جز نیکی به من نکردی؟». با گسترش و تقویت این نگاه در زندگی هرگز روحیه ناامیدی و افسردگی بر افراد خانواده سیطره پیدا نمی‌کند و خانواده و جامعه پر طراوت و بانشاطی خواهیم داشت.

ب- نقش گرایشی خانواده در حوزه ساحت فردی

- تقویت خودباوری

خودباوری یعنی اینکه انسان خود را بشناسد و به داشته‌های خود ایمان داشته باشد. اگر خانواده نقشش را در این زمینه به خوبی ایفا کند افراد خانواده دچار روزمرگی نمی‌شوند. «بر اساس آیات قرآن، انسان‌های مؤمن که خود واقعی خویش را شناخته‌اند، هرگز حزن و اندوهی ندارند» (یونس: ۶۲)؛ بنابراین اولیای خدا کسانی هستند که میان آن‌ها و خدا نوعی همسویی و ارتباط وثیق برقرار است. ولی خدا، کسی است که حقیقت خود را تجلی خدا می‌داند» (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۱۸۴-۱۸۳). بی‌تردید روحیه خودباوری در خانواده پایه‌ریزی می‌شود. شخصیت هر انسانی از دوران کودکی شکل می‌گیرد. رفتارهایی مانند سرزنش، تحقیر، تهدید و تمسخر، اعتماد به نفس را از کودک می‌گیرد و در عوض مواردی مانند احترام، محبت، تشویق و حمایت ایجادکننده خودباوری در کودک هستند (گراوند، ۱۳۹۴). همچنین در رابطه با اهمیت این موضوع، امام علی (ع) فرمودند: «نابود شد آنکه ارزش خود را ندانست» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۹). اسلام می‌گوید سعادت تو به عمل تو بستگی دارد و شقاوت تو هم به عمل تو بستگی دارد^۱ و در نتیجه انسان یک موجود متکی به خود و متکی

۱. «واینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست» (نجم: ۳۹).

به کردار و شخصیت خود می‌شود و این خودش عامل تحرک می‌شود. امروز علماء تعلیم و تربیت چقدر کوشش می‌کنند که به اصطلاح حس اعتماد به نفس را در انسان بیدار کنند و به‌جا هم هست اعتماد به نفسی که اسلام در انسان بیدار می‌کند این است که امید انسان را از هر چه غیرعمل خودش است، از بین می‌برد (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۲۵: ۴۵۰). وقتی بچه‌ها اعتماد به نفس پایین داشته باشند یعنی فکر می‌کنند دیگران در مورد آنان تفکر منفی دارند؛ بنابراین آنان هم رفتار منفی در پیش می‌گیرند. در این میان رفتار والدین اهمیت بسزائی دارد. اعتماد به نفس به تدریج در طی مراحل رشد بر اساس بازخوردهای گرفته‌شده از محیط ساخته می‌شود. والدین باید به فرزندان خود بازخورد مثبت بدهند و برای آن‌ها وقت بگذارند و به سخنان آن‌ها گوش دهند و بر کیفیت روابط دوستی آن‌ها کنترل داشته باشند و از سرزنش‌های مکرر پرهیزند و به استعدادیابی آن‌ها پردازند. یکی از راهکارهای افزایش خودباوری در افراد، داشتن زندگی هدفمند است. تنها زندگی هدفدار است که می‌تواند چهره واقعی حیات را نمایان سازد و در منطقه ارزش‌ها قرار دهد. تا گام به مرحله عالی «من انسانی» گذاشته نشود، سایه حیات از هدف حیات تشخیص داده نخواهد شد (جعفری، ۱۳۹۹: ۱۱۴).

- ایجاد روحیه قناعت

صفت ضد حرص، ملکه قناعت است و آن حالتی است برای نفس، که باعث اکتفا کردن آدمی به قدر حاجت و ضرورت است. و باید هرکسی در امر زندگانی نگاه به بالاتر از خود نکند. بلکه نظر به پست‌تر از خود نماید؛ و بداند خداوند روزی رسان است، چنان‌که فرموده: «هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست!» (هود: ۶). مروی است که موسی (ع) از حق تعالی سؤال کرد که کدام یک از بندگان غنی‌ترند؟ فرمود: هر کدام قانع‌ترند (نراقی، ۱۳۹۲: ۳۱۸). خداوند درباره قناعت می‌فرماید: «و هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی، که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم، می‌فکن! این‌ها شکوفه‌های زندگی دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است!» (طه: ۱۳۱). خداوند در نفی اسراف کاران می‌فرماید: «بی‌تردید اسراف‌کنندگان برادران

شیاطین اند»؛^۱ و در حدیثی از امام علی (ع) داریم: «هر کس به مقدار کفایت، قناعت کند، آسایش می‌یابد و برای خویش زمینه گشایش فراهم می‌کند» (نهج البلاغه: حکمت ۳۷۱). قناعت در تمام ابعاد زندگی حائز اهمیت است. انسان به صورت طبیعی نیازهایی دارد که باید تأمین شوند. این نیازها شامل خوراک، پوشاک مسکن و حتی نیاز به ارتباط است، اگر انسان تلاش خود را در حد معقول و مطلوب برای ارضای آن‌ها به کاربندد پسندیده است اما از آن‌جا که مواهب طبیعی محدود هستند و نفس انسان هم سیری‌ناپذیر، در اسلام برای رسیدن به حد اعتدال به قناعت سفارش شده است. دوران کودکی فرزندان بهترین زمان، و محیط خانواده بهترین مکان برای آموزش مفاهیم اولیه‌ای چون قناعت است. در کنار این آموزش‌ها، والدین با بیان آیات و روایاتی در حد وسع عقلی فرزند، با مطلع کردن وی از پیامدهای منفی اسراف و فواید صرفه‌جویی، سبب می‌شوند که فرزند با ارزش قناعت آشنا گردد و عامل به آن شود. در روایات زیادی قناعت در پیوند با مفاهیم و فضایی آمده است. از این مجموعه روایات به شبکه مفهومی دست می‌یابیم که بسیار در زندگی کاربرد دارد. از جمله اینکه حضرت علی (ع) قناعت را چنین وصف نمودند: قناعت، «عزت، پاکدامنی، نعمت، نشانه پرهیزکاران، آغاز رضایت» است و اینکه «عقل قناعت می‌کند» (تمیمی آمدی، ترجمه رحمتی شهرضا، ۱۳۹۳: ۵۶۳-۵۵۹).

ج- نقش گرایشی خانواده در حوزه ساحت جمعی:

- تقویت احساس مسئولیت

والدین مسئولیت تکامل ذهنی، عاطفی، بدنی، احساسی و اجتماعی فرزندان خود را به عهده دارند. اجرای این مسئولیت‌ها به صرف وقت، توجه و دقت زیادی نیاز دارد (ادیبی، ۱۳۹۴: ۲۵۴). نظام حقوقی اسلام، تکلیف گراست؛ به عنوان مثال در متون دینی وقتی صحبت از حق انسان‌ها می‌شود، بحث از حقوقی است که انسان‌های دیگر بر ما دارند و به عبارت دیگر مسئولیتی که ما در قبال دیگران داریم. البته چون این حقوق، طرفینی است ما

نیز این حقوق را داریم اما به دلیل همان بعد تربیت و هدایت، که دین اسلام برای خود قائل است، به جنبه تکلیف، وظیفه و مسئولیت، توجه بیشتری می‌کند.

از نگاه امام سجاد (ع) لازم است که افراد، چه در جایگاه فرزند و چه در جایگاه والدین، با وظایف و تکالیف خود آشنا باشد؛ از این رو بر این امر در دعاهای خود تأکید دارند و در مورد رفتار فرزندان با والدین می‌فرماید: «علم آنچه را که درباره ایشان بر من واجب است، به من الهام نما و آموختن همگی آن واجبات را بی‌کم و کاست، برایم فراهم ساز، و آنگاه مرا بر آن دار که هرچه را به من الهام نموده‌ای به کار بندم، و توفیقم ده که در آنچه بصیرت می‌دهی غور کنم تا به کار بستن چیزی از آنچه به من آموخته‌ای از من فوت نگردد» (صحیفه سجادیه، دعا ۲۴). در قرآن مجید، آیات فراوانی وجود دارد که اهمیت مسئولیت‌پذیری را برای انسان بیان کرده است؛ به‌عنوان مثال احساس مسئولیت اعضای خانواده نسبت به یکدیگر یکی از مهم‌ترین وظایف یک فرد مسلمان محسوب می‌شود: «خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه دارید»^۱. در آیه دیگری نیز مسئولیت نسبت به نماز اعضای خانواده مورد تأکید قرار گرفته است، آنجا که می‌فرماید: «خانواده خود را به نماز فرمان ده»^۲. برای داشتن فرزندان مسئولیت‌پذیر می‌توان در ضمن بازی، نکات اخلاقی و انضباطی را به کودک تفهیم کرد. بازی به کودک می‌آموزد که چگونه در برابر دشواری‌ها موضع‌گیری کند. بازی‌های گروهی، کودک را با نظام حیات اجتماعی‌اش آشنایی می‌سازد و با نظارت والدین، زمینه پیوندهای عاطفی، روح تعاون و احساس مسئولیت در قبال سایرین پایه‌گذاری می‌شود (ابول‌اولا، ۱۳۹۴). از دیدگاه اسلام، از حدود هفت سالگی به بعد، کودک آماده مسئولیت‌پذیری و امر و نهی است و در این دوره باید به او قوانین، ارزش‌ها و وظایف شخصی، دینی و اجتماعی‌اش را یاد داد و او را نسبت به انجام آن‌ها بازخواست کرد (پیروزفر و حسینی، ۱۳۹۵).

۱. تحریم، ۶.

۲. طه، ۱۳۲.

- یاری‌گری

رفتارهای پسندیده به لحاظ اخلاقی به «فطرت انسان» برمی‌گردد، این رفتارها به صورت فرازمانی و فرامکانی در همه جا مورد توجه همگان قرار می‌گیرد و افراد به آن‌ها گرایش دارند. هر ذات و فطرت پاکی چنین رفتارهایی را می‌پسندد «یاری‌گری» نیز جزء همین رفتارها است. به همین جهت می‌بینیم در روان‌شناسی اجتماعی نیز یکی از مباحث مهم رفتارهای جامعه‌پسند است که یکی از زیرشاخه‌های آن یاری‌گری است (مایرز، ترجمه شمسی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۱۳). رفتار پرسوشال (رفتار جامعه‌یار)، به رفتاری اطلاق می‌شود که سایر افراد جامعه از آن بهره‌مند می‌شوند و فرد با انجام دادن آن، به دیگران فایده می‌رساند. یکی از انواع رفتارهای پرسوشال، «همکاری یا تعاون» است. همکاری عبارت است از کار کردن با یکدیگر برای رسیدن به یک هدف مشترک. نوع دیگری از رفتارهای پرسوشال، «از خودگذشتگی» است. رفتارهای ایثارگرانه، در اثر احساس مسئولیت در مقابل دیگران انجام می‌گیرد و معمولاً خود فرد ذی‌نفع نیست (گنجی و بابازاده، ۱۳۹۳: ۳۳۶). در متون دینی و آموزه‌های اسلامی همواره به رفتارهای یاری‌گرانه و ایثارگرانه برای ارتقای کیفیت زندگی در ابعاد مختلف توصیه شده است. در اهمیت «یاری‌گری» همین بس که در کتاب غررالحکم و دررالکلم و کتاب اصول کافی در باب‌هایی به‌طور مجزا با عناوینی نظیر «الاعانه و التعاون» (کمک و همکاری کردن) به‌عنوان مثال: «أَعِنِ تُعِن، یاری کن تا یاری شوی» (تمیمی آمدی، ترجمه رحمتی شهرضا، ۱۳۹۳: ۵۰۰)، «مواسات» (یاری دادن)، «نصرت» (کمک و یاری)، «اغاثه» (دادرسی کردن) و «استعانت» (کمک گرفتن) به‌طور مستقیم روایاتی درباره این موضوع ذکر شده است و نیز به باب‌هایی با عناوینی مانند «ایثار»، «بذل» (بخشش)، «بر» (نیکوکاری)، «احسان» (بخشش)، «خیر» (نیکی) نظیر امام باقر (ع) می‌فرمود: «هر که قصد کار خیری کند باید بدان شتابد» (کلینی، ترجمه کمره‌ای، ۱۳۹۲: ۲۱۸)؛ و «به کسی که از تو درخواست نکرده، بخشش را آغاز کن، و به کسی که از تو درخواست کرده، نیکی خود را بخشش کن، و پرهیز کن از اینکه درخواست کننده‌ای را رد کنی» (تمیمی آمدی، ترجمه

رحمتی شهرضا، ۱۳۹۳:۴۴۲)؛ به طور غیرمستقیم به موضوع یاری‌گری اشاره دارند. فرزندان نخستین گام یاری‌رسانی به هم‌نوعان را از پدر و مادر خود فرا می‌گیرند. اگر همواره والدین را آماده کمک‌رسانی به دیگران ببیند، یقیناً آنان نیز در آینده روحیه تعاون خواهند داشت. از همان سنین کودکی باید یاد بگیرند که از لحاظ روحی به مردم انس و الفت پیدا کنند، سایرین را دوست داشته باشند و از دلشادی آنان خشنود شوند و محبتشان بدون تظاهر و عوام‌فریبی باشد.

۳- نقش رفتاری خانواده در اصلاح رفتار کودکان از منظر متون اسلامی

مقصود از رفتار، اعمالی است که با اختیار از انسان سر می‌زند، اعم از آنکه این رفتارها درونی و به اصطلاح جوانحی باشد، یا بیرونی و بابه کارگیری اعضا و به اصطلاح، جوارحی (فتحعلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۳۲). از آنجا که رفتار انسان همراه با اختیار است، اینکه خانواده چه مسیر و چگونگی بستری را فراهم ساخته باشد تا خروجی آن منجر به رفتار احسن اعضای آن شود، حائز اهمیت است، همچنین می‌توانیم بگوییم که آموزش و پرورش ذیل این کارکرد معنا پیدا می‌کند. حال برای بهتر روشن شدن این موضوع به مصادیقی از کارکرد رفتاری خانواده که آیات قرآن نیز به آن پرداخته، در سه حوزه الهی، فردی و جمعی اشاره می‌نماییم:

الف- نقش رفتاری خانواده در ساحت الهی

- رعایت تقوای الهی

تقوا در لغت به معنای صیانت نفس، در عرف شرع تقوا عبارت است از حفظ نفس از آلوده شدن به گناه (راغب اصفهانی، ۱۳۹۵، ترجمه خدا پرست: ۸۵۰). خداوند در آیات متعددی^۱ از قرآن کریم بر اهمیت تقوا تأکید نموده است. امام علی (ع) تقوا را به عنوان دژی محکم برای مصون ماندن از خطا معرفی می‌نماید.^۲ خانواده‌ای که بر اساس معیار

۱. «خداوند با کسانی است که تقوای پیشه کرده‌اند» (نحل: ۱۲۸).

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷.

ارزشی اسلام که عبارت است تقوا^۱ بنا می‌شود، تمامی اعضای آن رفتارهای خود را چنان مدیریت می‌کنند که ارزش‌های کاذبی مثل مال اندوزی و غیره از زندگی آن‌ها حذف خواهد شد (یوسف پور، ۱۳۹۷). در قرآن کریم در آیات مربوط به خانواده، سفارش به تقوا شده است از جمله در آیه ۲۲۳ سوره بقره^۲ درباره روابط زناشویی سفارش به تقوا شده، یعنی باید در روابط زناشویی حدود الهی رعایت شود یا در آیه ۲۳۳ سوره بقره^۳ در رابطه با مسائل مربوط به شیردهی کودک، بر رعایت تقوای الهی تأکید شده است. در آیه ۱۲۸ سوره نساء^۴ بر رعایت تقوا در هنگام بروز اختلاف در خانواده و حل آن از سوی زن و شوهر تأکید شده است؛ یعنی تقوا در این مرحله مانع از هم‌پاشیدگی خانواده است و قرآن کریم با تأکید بر گذشت بر تحکیم خانواده اصرار دارد. در آیه ۱۵ و ۱۶ سوره تغابن^۵ بر رعایت تقوا در تربیت فرزند تأکید شده است. در آیه ۱ سوره طلاق^۶ نیز بر رعایت تقوا در طلاق، بعد از طلاق و در دوران عدّه سفارش می‌نماید و می‌توان گفت ازدواج و تشکیل خانواده به چند دلیل، ایمان و تقوای زوجین را حفظ می‌کند.

۱. حجرات، ۱۳.

۲. «زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آن‌ها آمیزش کنید. و اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید! و از خدا بپرهیزید».

۳. «مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می‌دهند... و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده [=پدر]، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته بپردازد؛ حتی اگر طلاق گرفته باشد... و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آن‌ها نیست. و اگر (با عدم توانایی، یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط اینکه حق گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید!»

۴. «و اگر زنی، از سرکشی یا اعراض شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند و صلح، بهتر است؛ و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه سازید».

۵. «اموال و فرزندان فقط وسیله آزمایش شما هستند؛ پس تا می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید».

۶. «هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عدّه، آن‌ها را طلاق دهید و حساب عدّه را نگه دارید؛ و از خدایی که پروردگار شماست بپرهیزید؛ این حدود خداست، و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده».

- توکل به خداوند

خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم به مفهوم توکل اشاره نموده است؛ که به تعدادی اشاره می‌نماییم: «خدا توکل کنندگان را دوست دارد»^۱، «مؤمنان باید فقط بر خدا توکل کنند»^۲. ریشه‌های توکل در نفس و ذات آدمی وجود دارد. میل به اتکا به وجود متعالی به عنوان صورت ازلی در روان ناخودآگاه افراد وجود دارد. کودکان در سال‌های آغازین زندگی همواره به والدین خود اعتماد می‌کنند، با اتکا به آنان محیط خود را کشف می‌کنند و جرأت رویارویی با مشکلات زندگی را پیدا می‌نمایند. والدینی که نتوانند پناهگاه امنی برای فرزندان خود باشند، امکان دارد که نتوانند اعتماد فرزندان خود را جلب نمایند و فرزندان از داشتن دلبستگی ایمن در این خانواده‌ها محروم می‌مانند و امکان دارد دلبستگی آنان اجتنابی و یا اضطرابی باشد. همگام با رشد شناختی و عاطفی، مفهوم خدا در ذهن کودکان و نوجوانان شکل می‌گیرد. انتقال دلبستگی ایمن از والدین به وجود متعالی هرچند به تدریج صورت می‌گیرد پایه‌های اصلی توکل به خدا را تشکیل می‌دهد (غباری بناب، ۱۳۸۸). حضرت علی(ع) می‌فرماید: «وجودت را در همه امور به خدای خود واگذار، که در این صورت خود را به پناهگاهی محکم، و نگاهبانی قوی وا می‌گذاری» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

ب- نقش رفتاری خانواده در ساحت فردی

- الگوپذیری از اولیای الهی

الگوسازی در هویت بخشی فرزندان تأثیر به‌سزایی دارد. آشنایی فرزندان خانواده با ویژگی‌های شخصیتی انسان‌های نمونه که در زمان‌های مختلف نقطه عطفی برای بشریت واقع شدند، و نیز هویت اسلامی در آنان تثبیت یافته، راهکاری عملی برای تحکیم باورهای دینی فرزندان است. والدین باید شرایطی را فراهم نمایند که فرزندان با سیره اهل بیت(ع)،

۱. آل عمران، ۱۵۹.

۲. آل عمران، ۱۶۰.

بزرگان دین و شهدا آشنا شوند و خروجی این آشنایی منجر به علاقه و الگوپذیری شود. چنان که امام صادق (ع) در اهمیت این مطلب می فرماید: «در آموزش حدیث به فرزندان شتاب کنید پیش از آنکه منحرفان زودتر از شما به سراغ آن‌ها بروند» (کلینی، ۱۳۹۲، ج ۶: ۴۷). در واقع کودک باید به اولیای دین، به رسول خدا و ائمه (ع) و دیگر پاسداران مذهب علاقه مند باشد تا امر و نهی شان و راه و روششان در او اثر گذارد شیوه‌های زندگی آنان را سرمشق قرار دهد. والدین با شرح ایثارگری‌های آنان به زبان ساده و قابل فهم برای کودک خود، می‌توانند در او علاقه‌ای قلبی نسبت پدید آورند تا آن‌ها را دوست داشته باشند و تمایل پیدا کنند از راه و روش آنان تبعیت کنند. گرایش به الگو و تأثیر پذیری از آن در امور مختلف زندگی فردی و اجتماعی، از جمله گرایش‌های فطری انسان است و فطرت کمال جوی انسان او را می‌دارد تا برای رسیدن به هدف و کمال از بهترین الگوها استفاده کند. از طرفی قرآن کریم، پاسخ گفته است و پیامبران، پیشوایان معصوم و اولیای الهی را الگوی خوبی برای انسان‌ها معرفی کرده و تأکید فرموده که در تمام امور فردی و اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره از آن‌ها سرمشق بگیرند.^۱ پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) و اولیای الهی الگوی کامل شکیبایی، اخلاص، قیام در برابر ظلم، مبارزه با جهل و شرک و غیره هستند. نمونه‌ای از الگوهای انسان‌ساز تاریخ اسلام حضرت زینب (س) است که بایسته است والدین از سیره و سخنان ایشان در جهت تربیت فرزندان خویش بهره ببرند. به عنوان مثال می‌توان در قالب داستان‌های آموزنده دینی به خطبه خوانی حضرت زینب (س) بعد از واقعه عاشورا در مجلس یزید که با نهایت قدرت و شهامت خطاب به یزید صحبت نمودند اشاره نمود. زینب (س) خطبه خود را با حمد خدا و درود بر پیامبر (ص) و آیه‌ای از قرآن درباره بدکاران آغاز کرد و سپس با استناد به آیه‌ای درباره سنت الهی مهلت دادن به ستمکاران^۲، به سرزنش یزید در ستم بر اهل بیت امام حسین (ع)

۱. «یقیناً برای شما در رفتار پیامبر خدا الگوی نیکویی است» (احزاب: ۲۱).

۲. «آن‌ها که کافر شدند، (و راه طغیان پیش گرفتند)، تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم، به سودشان است! ما به آنان مهلت می‌دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیفزایند؛ و برای آنها، عذاب خوارکننده‌ای (آماده شده) است!» (آل عمران: ۱۷۸).

پرداخت (پیشوایی، ۱۳۹۷: ۲۱۹-۲۱۷).

- حیا

اگرچه در نهادینه‌سازی حیا و عفت، پدر نیز نقش دارد ولی تأثیر سهم مادران در پاکدامنی فرزندان به‌ویژه دختران بیشتر است. مادر به‌عنوان نخستین مربی و کسی که بیشترین ارتباط و تعامل را با فرزندان دارد، بیشترین تأثیرگذاری را در تربیت آنان، خصوصاً در درونی‌سازی عفاف و پاکدامنی دارد (پناهی، ۱۳۹۸: ۱۵۹). ایجاد شناخت در کودک تا او بتواند در مراحل مختلف زندگی این شناخت را هرچه بیشتر رشد و توسعه دهد و به درک نسبتاً خوبی از حسن و قبح اعمال برسد، آنچنان که برایش شاکله یا ملکه نفسانی گردد، از این رهگذر ضرورت نهادینه‌سازی صفت حیا در انسان مشخص می‌گردد. لذا تأثیر مادر هم از جنبه الگویی است و هم می‌تواند از لحاظ ایجاد عادت و تمرین در فرزند باشد.

وجود ویژگی حیا در مادر، به‌عنوان مربی کمک می‌کند تا کودک از لحاظ شرایط محیطی، در فضای خوبی قرار گیرد، مادر به‌عنوان اُسوه می‌تواند نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید فرزند قرار دهد. به‌طور مثال زمانی که مادر در برخورد با پدر و مادر خود، بزرگان و به‌طور کلی در روابط با دیگران رعایت احترام و ادب را می‌کند، در پوشش و صحبت کردن مراقبت می‌نماید، همواره در ادب و اخلاق مراعات دارد، برای فرزند نمونه‌ای از رفتار و کردار را ارائه می‌دهد و فرزند سعی می‌کند این حالات را در خود پدید آورد. از این رو مجدد تأکید می‌شود که مادران بایستی بر این ویژگی ذاتی ممارست نمایند. همچنین والدین می‌توانند با جدا کردن اتاق خواب کودک، گذاشتن او در محیط‌های معنوی، هم‌نشینی با انسان‌های مؤدب و باحیا، انتخاب دوستان و همسایگان و دقت در امکانات رسانه‌ای، که در اختیار کودک خود قرار می‌دهند نیز در تقویت این صفت مؤثر واقع شوند (برهانی‌نژاد، ۱۳۹۸). آموزش حیا و شاکله‌سازی آن در فرزند از کودکی می‌تواند در پرورش درست فرد در حیطه گرایش‌های جنسی بسیار مؤثر باشد؛ یعنی در اینجا، حیا همچون عامل بازدارنده و پیشگیری‌کننده عمل می‌کند. در احادیث آمده است که: «حیا، سراسر خیر و خوبی است. آری حیا جز خیر و خوبی حاصلی ندارد» (محمدی

ری شهری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۳۵۶). خلاصه آن که صفت حیا صفتی اساسی است که اگر مادری توانست از آن بهره جوید فرزندی صالح را که قرار است نتیجه تربیت اسلامی باشد، تربیت خواهد نمود و مصداق رحمت الهی بر مبنای این حدیث می شود که «فرزندان خود را گرامی بدارید و آن‌ها را به خوبی تربیت کنید. این کار برای شما موجب آمرزش می گردد (همان، ج ۱: ۱۰۳). قرآن کریم به مسئله حیا به عنوان یکی از ضرورت‌های دینی و تربیتی اشاره نموده است: «به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه تر است، و به زنان با ایمان بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، و زینت خود را مگر مقداری که پیداست آشکار نکنند، و مقنعه‌های خود را به روی گریبان‌هایشان بیندازند، و زینت خود را آشکار نکنند...»^۱.

- صبر

قرآن کریم می‌فرماید: «به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است! سپس استقامت کردند»^۲؛ و این نشان‌دهنده نقش زیربنایی صبر در رشد و کمال انسان است. به طوری که هر یک از فضیلت‌های انسانی نمودی از صبر در حوزه خاصی است؛ مثلاً عفت، که در برابر شهوات تحقق پیدا می‌کند. شجاعت، صبر در میدان نبرد است، ایستادگی در برابر خشم را حلم می‌گویند، ایستادگی در برابر حادثه‌های روزگار را سعه صدر و صبر در برابر زیاده خواهی‌های نفس را زهد می‌نامند (تهرانی، ۱۳۹۱: ۳۹)؛ بنابراین صبر سرچشمه فضیلت‌ها است و نهادینه‌سازی فضیلت صبر در کودکان نقش مهمی در تربیت اخلاقی آنان دارد. از سوی دیگر بر اساس آیات قرآن کریم انسان به طور کلی عجول است «و انسان بسیار شتاب‌زده است»^۳. این عجله می‌تواند مانع رشد صبوری گردد. از آنجایی که کودکان امروز، والدین آینده هستند تقویت صبر برای آن‌ها ضروری است کما اینکه صبوری

۱. نور، ۳۰-۳۱.

۲. فصلت، ۳۰.

۳. اسراء، ۱۱.

خصلتی است که برای رسیدن به موفقیت در زندگی هر انسانی لازم است. ایجاد فرهنگ صبر در تربیت کودک موجب می‌شود که وی دچار رذیلت‌هایی نظیر ناشکری و شکوه نشود. اگر از کودکی فرزندان یاد بگیرند رسیدن به خواسته‌ها، زمان می‌طلبد، عجز و ترس نمی‌شوند. انجام بازی‌هایی که رسیدن به هدف در آن‌ها طول می‌کشد نیز به تقویت صبر در کودکان کمک می‌کند (برهانی نژاد، ۱۳۹۸). حضرت علی (ع) درباره اهمیت فضیلت صبر می‌فرماید: «بر شما باد به شکیبایی، که شکیبایی، ایمان را چون سر است بر بدن، و همان طوری که بدن بدون سر ارزشی ندارد همین‌طور هم ایمان بدون صبر خیری در آن نیست» (نهج البلاغه: حکمت ۸۲). همچنین فرمودند: «خود را در امور ناخوشایند به صبر و مقاومت عادت ده، که صبر در راه حق اخلاق نیکویی است» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). صبر انسان را از جزوع بودن می‌رهاند. انبیا چون بر فطرت الهی مانده‌اند در هیچ حالتی نه منوعند (بخیل) و نه جزوع (بی‌تاب) و نه هلوع (حریص و کم‌طاقت). وقتی نعمتی به آن‌ها می‌رسد، می‌گویند: «هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ» (نمل: ۴۰) و وقتی آسیب می‌بینند، می‌گویند: «أَتَى مَسْنَى الشَّيْطَانِ بُنْصَبٍ وَعَذَابٍ» (ص: ۴۱) و نیایش آنان با شکیبایی آمیخته است. انسان در برابر نعمت هم باید صابر باشد و هرگز آن را مایه طغیان خود قرار ندهد. کمال انسان تنها در صبور بودن خودش نیست بلکه باید دیگران را هم به صبر توصیه کند: «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر: ۳) (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۷۸). از این آیات می‌توان به اهمیت فوق‌العاده صبر و آثار تربیتی آن در سازندگی شخصیت و اصلاح رفتار کودکان پی برد.

ج- نقش رفتاری خانواده در ساحت جمعی

- امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یک ضرورت مهم در تربیت اجتماعی نقش ارشادی مهمی را برعهده دارد. امام صادق (ع) درباره این مهم فرموده‌اند: «همانا امر به معروف و نهی از منکر شود مؤمنی که پندپذیر است، یا نادانی که مسئله آموز است» (حرآئی، ترجمه کمره‌ای، ۱۳۹۲: ۴۵۶)؛ بنابراین قبل از اقدام به امر به معروف و نهی از منکر باید مخاطب

شناسی به درستی صورت گیرد و با فراهم نمودن زمینه‌های لازم اقدامات اجرا گردد. اگر فرد پذیرنده و دغدغه مند باشد امر به معروف و نهی از منکر مؤثرتر واقع می‌شود و ایجاد این روحیه و فرهنگ ابتدا در نهاد خانواده صورت می‌پذیرد و چه بهتر که در سال‌های آغازین این امور به کودک آموخته شود زیرا به فرموده حضرت علی (ع) که «قلب جوان را به زمینی خالی تشبیه کردند که بار دهنده بذری است که در آن پاشیده می‌شود» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). در جنبه اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر یک مسئولیت مشترک تلقی می‌شود و هر فردی در خود احساس تکلیف می‌کند (حاجی بابائیان، ۱۳۹۸: ۹۰-۹۱). بر پایه منابع اسلامی لازم است از دوره کودکی به مسئله امر به معروف و نهی از منکر در کانون خانواده توجه شود. خداوند درباره حضرت اسماعیل (ع) می‌فرماید: «و همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد، و نزد پروردگارش پسندیده بود»^۱. آگاه نمودن فرزندان از مسئولیت‌های اجتماعی مانند تذکر دادن به دیگران و ارشاد آن‌ها به سوی کارهای خوب و نهی آن‌ها از کارهای زشت، یکی از وظایف پدر و مادر و مورد تأکید و توجه ویژه قرآن کریم می‌باشد و در سفارش لقمان (ع) به فرزند خویش مطرح گردیده است. «پسرکم! نماز را برپا دار و مردم را به کار پسندیده وادار و از کار زشت بازدار و بر آنچه به تو می‌رسد شکیبایی کن، که این‌ها از اموری است که ملازمت بر آن از واجبات است، متکبرانه روی از مردم برمگردان، و در زمین با ناز و غرور راه مرو، همانا خدا هیچ خودپسند فخر فروش را دوست ندارد، و در راه رفتنت میانه رو باش، و از صدایت بکاه که بی تردید ناپسندترین صداها صدای خران است»^۲. حضرت علی (ع) نیز در این خصوص می‌فرماید: «امر به معروف کن تا اهل آن باشی، بادت و زبان نهی از منکر نما، و با کوشش از اهل منکر جدا شو» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱).

۱. مریم، ۵۵.

۲. لقمان، ۱۷-۱۹.

– انفاق

یکی از ارزش‌های مسلم انسان که اسلام آن را تأیید می‌کند، خدمتگزار خلق خدا بودن است. قرآن کریم می‌فرماید: «نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز،) روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید؛ بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و فرشتگان، و کتاب آسمانی، و پیامبران، ایمان آورده؛ و مال (خود) را، همه علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند...» (بقره: ۱۷۷) (مطهری، ۱۳۹۶: ۳۸). «انفاق» در مال و غیرمال استعمال می‌شود^۱ (راغب اصفهانی، ترجمه خداپرست، ۱۳۹۵: ۷۸۸). فرزندان اگرچه در دوران خردسالی، نوجوانی و جوانی اموال آنچنانی ندارند تا به این امر اقدام نمایند، ولی پدر و مادر می‌توانند، از همان اموالی که خود در اختیار آنان قرار می‌دهند، آن‌ها را تشویق نموده تا مقداری را به مستمندان جامعه پرداخت نمایند. ایجاد روحیه انفاق در فرزندان آثار ارزشمندی در زندگی آینده آن‌ها برجای خواهد داشت. خداوند متعال خاندان عصمت و طهارت را به سبب اطعام مسکین، یتیم و اسیر، مورد ستایش قرار داده است^۲. دین مبین اسلام همواره از اصل میانه روی در زندگی حمایت نموده و افراد را از افراط و تفریط برحذر می‌دارد. در انفاق و بخشش نیز چنین است. امام سجاد(ع) درباره چگونگی انفاق می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِ الْإِنْفَاقَ عَلَى قَدْرِ الْإِقْتَارِ وَ التَّوَسُّعَ عَلَى قَدْرِ التَّوَسُّعِ وَ إِنْصَافَ النَّاسِ مِنْ نَفْسِهِ، رفتار مؤمن این گونه است که در ایام تنگدستی به اندازه درآمد خرج می‌کند، و در روزگار رفاه و آسایش به قدر گشایش. از طرف خود به مردم حق می‌دهد» (حرّانی، ترجمه کمره ای، ۱۳۹۲: ۳۵۷).

طبق آیات قرآن انفاق عاملی برای پیشگیری از ترس و غم معرفی شده است: «آن‌ها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان

۱. «از آنچه به شما روزی داده‌ایم، انفاق کنید» (بقره: ۲۵۴)؛ «هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه

دوست می‌دارید، (در راه خدا) انفاق کنید؛ و آنچه انفاق می‌کنید، خداوند از آن آگاه است» (آل عمران: ۹۲).

۲. «و غذا را در عین دوست داشتنش، به مسکین و یتیم و اسیرانفاق می‌کنند» (انسان: ۸).

است؛ نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می‌شوند» (بقره: ۲۷۴). عمل انفاق از جهتی نوعی شبیه‌سازی عمدی و تمرین برای «از دست دادن» است تا فرد نسبت به آن حساسیت زدایی شده و یا به بیانی ورزیده شود. چنین فردی هنگام از دست دادن‌های ناخواسته، چندان هراسناک نمی‌شود؛ بنابراین انفاق در راه خدا برای حفظ ثبات روان شناختی و بهداشت روانی یک راهکار خوب است (مرعشی، ۱۴۰۰: ۱۵۳). از نظر روحی و معنوی، انفاق روح گذشت، فداکاری، نوع دوستی، و برادری را در انفاق کننده ایجاد می‌کند و موجب پرورش و تکامل شخصیت اوست. البته انفاقی ارزشمند است که به خاطر رضای خدا باشد و از بهترین قسمت مال به نیازمندترین افراد به صورت پنهانی و بدون منت داده شود؛ بنابراین در خانواده باید برای ایجاد روحیه انفاق در فرزندان فرهنگ سازی نمود.

– زمینه‌سازی برای ازدواج جوانان

یکی از مهم‌ترین وظایف والدین فراهم ساختن زمینه ازدواج فرزندان است. نیاز جسمی و روانی انسان به ازدواج پس از بلوغ روشن است و محیانمودن شرایط لازم برای انجام این کار با خانواده، که در رأس آن پدر و مادر است، می‌باشد. ازدواج آثار تربیتی فراوانی دارد و جوانان به وسیله آن از بسیاری از انحرافات و مفاسد فردی و اجتماعی محفوظ می‌مانند. «از نظر روانی، زن دارای عواطفی رقیق و قلبی مهربان و دارای غریزه پرستاری و مهرورزی و صلح جویی است. طبیعت یک زن سالم به دوراز پرخاش و جنگ و خصومت است، از این رو وجود او همواره می‌تواند تعدیل کننده احساسات خشونت‌بار و جنگجویانه مرد در

۱. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از قسمت‌های پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده‌اید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم (از منابع و معادن و درختان و گیاهان)، انفاق کنید...» (بقره: ۲۶۷)؛ «انفاق شما برای نیازمندیانی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته‌اند و نمی‌توانند مسافرتی کنند (و سرمایه‌ای به دست آورند) و از شدت خویشتن‌داری، افراد ناآگاه آن‌ها را بی‌نیاز می‌پندارند اما آن‌ها را از چهره‌هایشان می‌شناسی و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند؛ و هر چیز خوبی در راه خدا انفاق کنید، خداوند از آن آگاه است» (بقره: ۲۷۳)؛ «اگر انفاق‌ها را آشکار کنید، خوب است! و اگر آن‌ها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است! و قسمتی از گناهان شما را می‌پوشاند (و در پرتو بخشش در راه خدا، بخشوده خواهید شد) و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است» (بقره: ۲۷۱)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخشش‌های خود را با منت و آزار، باطل نسازید» (بقره: ۲۶۴).

بیرون و درخانه باشد. از برکت همین ویژگی زن سالم در خانه و خانواده انتظار می‌رود که زن بر خانواده اثر آرام بخشی روانی داشته باشد و خانه را برای اعضای آن آرام و امن نگه دارد. زن در قرآن سبب آرامش مرد و خانه آسایشگاه آرام بخشی برای همه اعضای خانواده معرفی شده است» (شریعتی، ۱۳۹۵: ۹۷). خدای متعال می‌فرماید: «واز نشانه‌های قدرت و ربوبیت او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند»^۱. خداوند در قرآن همه را توصیه می‌کند که برای افراد مجرد، چه مرد چه زن، زمینه ازدواج را فراهم نمایند: «بی‌همسران و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید؛ اگر تهی دست‌اند، خدا آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند؛ و خدا بسیار عطاکننده و دانا است»^۲. در سیره حضرت موسی (ع) می‌خوانیم که حضرت شعیب (ع) رو به موسی (ع) نموده و چنین گفت: «من می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو در آورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی، محبتی از ناحیه توست من نمی‌خواهم کار سنگینی بردوش تو بگذارم و ان شاء الله مرا از صالحان خواهی یافت» (قصص: ۲۷). موسی به عنوان موافقت و قبول این عقد گفت: «مانعی ندارد، این قراردادی میان من و تو باشد البته هر کدام از این دو مدت را انجام دهم ستمی بر من نخواهد بود (ومن در انتخاب آن آزادم)!» و خدا بر آنچه ما می‌گوییم گواه است!» (قصص: ۲۸)؛ و به این صورت موسی داماد شعیب شد (حسینی، ۱۳۹۵: ۲۴۰).

۱. روم، ۲۱.

۲. نور، ۳۲.

نقش رفتاری خانواده	نقش گرایشی خانواده	نقش شناختی خانواده
ساحت الهی: رعایت تقوای الهی، توکل به خداوند	ساحت الهی: گرایش به معنویات، توجه به نعمت‌های الهی	ساحت الهی: تقویت باور به توحید، توجه به معاد، شناخت اولیای الهی
ساحت فردی: الگوپذیری از اولیای الهی، حیا و صبر	ساحت فردی: تقویت خودباوری، ایجاد روحیه قناعت	ساحت فردی: افزایش خودآگاهی، فکرپروری، آشنایی با فضائل اخلاقی
ساحت جمعی: امر به معروف و نهی از منکر، انفاق، زمینه سازی برای ازدواج جوانان	ساحت جمعی: تقویت احساس مسئولیت، یاری‌گری	ساحت جمعی: فرهنگ پذیری، ادب‌آموزی، احترام به حقوق دیگران

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ابتدا با مراجعه به آیات و روایات، تعریفی از خانواده، و همچنین ضرورت تشکیل این نهاد مقدس بر مبنای استدلال و قصص قرآنی و روایی ارائه گردید. در ادامه با بررسی آیات، تفاسیر و احادیث ابعاد مختلفی از نقش‌های خانواده به خصوص والدین در حوزه شناخت، گرایش و رفتار فرزندان و اثر تربیتی هر یک از این نقش‌ها احصاء شد. نهایتاً به مسئله تربیت در خانواده که یکی از مه‌ترین وظایف پدر و مادر است پرداخته و نیازهای تربیتی و جوانب گوناگونی از آن را که فرزندان از سنین کودکی تا جوانی و استقلال بدان احتیاج دارند، بررسی گردید. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که همه اعضای خانواده بر یکدیگر اثر تربیتی دارند، و همین موضوع اهمیت تشکیل، حفظ و رشد کانون مقدس خانواده را بیش از پیش برای ما روشن می‌سازد. والدین از مرحله شناخت و بینش تا مرحله عمل و رفتار فرزند خود نقش آفرینی دارند. و این نقش آفرینی محدود به زمان تولد او و بعد آن نمی‌شود که از پیش از تولد، زمان انتخاب همسر، انعقاد نطفه و

دوران جنینی را نیز شامل می‌شود. مردان و زنان مسلمان در هر یک از مراحل ذکر شده هر چه بیشتر مراقبه نموده و طبق دستورالعمل‌های الهی و سنت اهل بیت (ع) پیش روند، امید اینکه فرزند سالم و صالحی را وارد جامعه کنند، بیشتر است. خانواده در مسیر تربیت فرزندان با چالش‌های مختلفی روبه‌رو خواهند شد لذا باید با صبوری و استعانت از خدا، آرامش خود را حفظ نموده و بر ضرورتی‌ترین نیاز فرزند خویش یعنی تربیت اهتمام ورزند؛ زیرا لازمه ورود به اجتماع انسان‌ها و داشتن موقعیتی قابل قبول میان سایرین، تربیت فرد می‌باشد. هر قدر هم که مدرسه و محیط آموزشی فرزندان سعی بر این مسئله داشته باشند، جایگزین خانواده نخواهند بود زیرا ویژگی‌هایی نظیر احسان، بخشش، گذشت، صبر، ادب، صداقت و غیره با تمرین در وجود آدمی نهادینه می‌شود و انسان تنها در محیط خانواده این فرصت را دارد که از همان دوران کودکی این رفتارها را از منش خانواده خود ببیند و کم‌کم در وجود خود تثبیت کند. لذا پیشنهاد می‌شود: با توجه به نقش والدین در انتخاب شیوه صحیح تربیت، رشد و هدایت فرزندان و جلوگیری از سقوط و انحراف جامعه، دولت باید وظیفه آگاهی بخشی، آموزش و بیدارسازی والدین را به شکل جدی‌تر پیگیری کند؛ و این امر باید مجدانه، مستمر، همراه با تشویق‌های اقتصادی و با پشتوانه قانونی انجام شود؛ والدین با رفتار صحیح خود و عمل به فضائل رفتاری چون: بخشش و گذشت، صبر، حیا، تعاون و نیکوکاری و غیره همچنین با حمایت و تشویق‌های مادی و معنوی، می‌توانند در نهادینه‌سازی هر یک از فضیلت‌های نام برده در فرزند خویش مؤثر باشند؛ سنین پایین و دوران کودکی فرزندان، که ساخت ذهنی آن‌ها از مفاهیم پیرامونشان در حال شکل‌گیری است، بهترین زمان برای آشنایی آنان با مفاهیم دینی و الگوهای انسانی است. متولیان تربیت اعم از خانواده و دیگر نهادهای فرهنگی-تربیتی در خلال اجرای فعالیت‌های نشاط‌آور نظیر بازی، قصه‌گویی و آموزش مهارت‌های مختلف مناسب سن کودکان، آنان را با سیره اهل بیت (ع)، علما و شهدا و دیگر اسوه‌های علمی، ورزشی، هنری، به شیوه‌ای نوین و مناسب نسل امروز آشنا سازند. همراه کردن این آموزش‌ها با خاطره‌ای خوشایند نفوذ و تأثیر عمیق‌تری در شناخت فرزندان از این موضوعات دارد؛ به دلیل نقش

اساسی و جذابیت رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های دیداری و شنیداری در جهت دادن به افکار افراد، پیشنهاد می‌گردد ظرفیت رسانه در قالب فیلم، نمایش، انیمیشن، نشست‌های گفتگو محور، به شیوه‌ای خلاقانه به کمک والدین در امور تربیت بشتابند و به شناخت، گرایش و رفتار فرزندان در راستای تعمیق باورهای دینی و زندگی سعادت‌مندانانه پردازند.

ORCID

Shirin Rashidi
Samira Saryar



<https://orcid.org/0000>
<https://orcid.org/0000>



منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۳). ترجمه سیدحسین انصاریان، تهران: دارالقرآن کریم.
- امام علی بن ابی‌طالب (ع) (۱۳۹۲). *نهج‌البلاغه*، ترجمه محمددشتی. تهران: پیام عدالت.
- امام زین‌العابدین، علی بن حسین (ع) (۱۳۸۱). *الصحیفه السجادیه*، ترجمه سیدصدرالدین بلاغی، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۹۶). *الامالی*، ترجمه یعقوب جعفری، ج ۱، قم: احقاف.
- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۹۸). *الخصال*، ترجمه هادی خلیلی، ج ۱، قم: تهذیب.
- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). *تحف العقول*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، قم: جامعه مدرسین.
- ابول‌اولا، خدیجه (۱۳۹۴). *شاخصه‌های هویت اسلامی و نقش خانواده در پدیداری آن از منظر آیات و روایات*، پژوهش‌های اجتماعی-اسلامی، سال ۲۱، شماره ۳.
- احمدی، حسین؛ نجفی، ابراهیم (۱۳۹۱). *اهمیت، نقش و کارکرد خانواده از دیدگاه اسلام و بررسی جایگاه آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، خانواده و پژوهش*، شماره ۱۴.
- ادیبی، حمید (۱۳۹۴). *روان‌شناسی خانواده*، تهران: ساوالان.
- آذربایجان‌ی، مسعود (۱۳۸۲). *روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آقازاده، احمد؛ آرمند، محمد (۱۳۹۸). *تاریخ آموزش و پرورش ایران با تأکید بر تحولات تربیتی دوره معاصر*، تهران: سمت.
- باهنر، ناصر (۱۳۸۳). *آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد*، تهران: بین‌الملل.
- برهانی نژاد، محدثه (۱۳۹۸). *بررسی فلسفی تفاوت‌های زن و مرد و نقش آن در تعلیم و تربیت فرزندان با تأکید بر دیدگاه اسلام*، رساله دکتری، دانشگاه شهیدباهنر کرمان.
- بستان، حسین (۱۳۹۹). *خانواده در اسلام*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بهشتی، احمد (۱۳۹۲). *خانواده در قرآن*. قم: بوستان کتاب.
- پیروزر، سهیلا؛ حسینی محمدآباد، سیدعلی اصغر (۱۳۹۵). *نقش خانواده در تکوین هویت فردی فرزندان با تأکید بر آموزه‌های دینی*، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، دوره ۲۲، شماره

۱۱۱.

پیشوایی، مهدی (۱۳۹۷). سیره پیشوایان: نگرشی بر زندگانی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امامان معصوم (ع)، قم: مؤسسه امام صادق (ع).

تبریزی، منصوره (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی، علوم اجتماعی، شماره ۶۴.

تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۹۳). غررالحکم و دررالحکم، ترجمه محمدرحمتی شهرضا، قم: صبح پیروزی.

تهرانی، مجتبی (۱۳۹۱). اخلاق الهی. ج ۱۰. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۹۹). فلسفه و هدف زندگی. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). سیره پیامبران علیهم السلام در قرآن، ج ۷، قم: مرکز نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). هدایت در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷). فطرت در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۰). حق و تکلیف در اسلام، قم: مرکز نشر اسراء.

چراغی کوتیان، اسماعیل (۱۳۸۸). رویکرد اسلام به چهار کارکرد مهم خانواده، معرفت، شماره ۱۳۹.

حاجی بابائیان امیری، محسن (۱۳۹۸). روش‌های تربیت اخلاقی کاربردی در اسلام، تهران: سروش.

حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: سمت.

حائری شیرازی، محی الدین (۱۳۹۹). تربیت دینی کودک، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف.

حراعلی، محمدبن حسن (۱۳۹۴). جهاد با نفس (از وسائل الشیعه)، ترجمه غلامحسین انصاری، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.

حسینی زاده، سیدعلی (۱۳۹۷). سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، تربیت فرزند، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

حسینی، حسین (۱۳۹۵). *قصه‌های قرآن برگرفته از تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۷). *الله شناسی*، مشهد: علامه طباطبائی.
خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۵). *انسان شناسی اسلامی*، قم: نهادنمایندگی مقام معظم رهبری
در دانشگاه ها، دفتر نشر معارف.

خندان، علی اصغر (۱۳۹۶). *منطق کاربردی*، تهران: سمت.
خنیفر، حسین، مسلمی، ناهید (۱۳۹۸). *اصول و مبانی روش های پژوهش کیفی*، ج ۱، تهران: نگاه
دانش.

خوانین زاده، محمدحسین، شریفی، عنایت الله؛ فاضل نیا، محمد (۱۳۹۴). [جایگاه و کارکرد مبانی
انسان شناسی در سبک زندگی خانواده از منظر قرآن و روایات](#)، سراج منیر، شماره ۲۱.

دانش، اسماعیل (۱۳۸۹). *اصول و روش های تربیتی سوره لقمان*، راه تربیت، سال پنجم، شماره ۱۳.
دلاور، علی (۱۳۹۱). *روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی*، تهران: ویرایش.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۹۵). *مفردات الفاظ قرآن*، ترجمه حسین خداپرست، تهران:
کتاب عقیق.

ربعی گورانسراب، ملیحه (۱۳۹۲). *پرورش تفکر در کودکان بر مبنای آموزه های اسلام*، پایان نامه
کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س).

رضایی، علی اکبر (۱۳۸۹). *روانشناسی کودک*، یزد: کوثرهدایت.
ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). *جامعه شناسی خانواده*، تهران: سروش.

سلیمی، علی؛ محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۹۱). *تحلیل محتوای کیفی قیاسی و بهره گیری از
آموزه های اسلامی در علوم اجتماعی*، روش شناسی علوم انسانی، شماره ۷۲.

سنگاری، سمیه (۱۳۹۳). *بررسی چالش های والدین در تربیت دینی فرزندان با تأکید بر منابع
اسلام*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

شرفی، محمدرضا (۱۳۸۰). *دنیای نوجوان*، تهران: موسسه فرهنگی منادی تربیت.
شریعتی، سیدصدرالدین (۱۳۹۵). *خانواده پایدار از دیدگاه قرآن و سنت*، تهران: انتشارات دانشگاه
علامه طباطبائی.

شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۰). *روانشناسی عمومی*، تهران: توس.

- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۴). روانشناسی یادگیری، تهران: توس.
- صادقی آرانی، زهرا؛ قندانی آرانی، علی اکبر (۱۳۹۴). خانواده و سبک زندگی اسلامی (خانواده قرآنی)، اردبیل، کنگره بین المللی روانشناسی و علوم تربیتی با رویکرد اسلامی. عیسی زاده، عیسی (۱۳۹۴). خانواده قرآنی، قم: بوستان کتاب.
- غباری بناب، باقر (۱۳۸۸). توکل به خداوند متعال به عنوان راهبرد حل مشکلات زندگی، مرکز اطلاعات علمی، دوره ۱، شماره ۱.
- فتحعلی، محمود؛ مصباح، مجتبی؛ یوسفیان، حسن، (۱۳۹۰). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.
- فرهنگی، علی اکبر (۱۳۸۵). ارتباطات انسانی، تهران: امیرکبیر.
- قائم‌تهرانی، کبری (۱۳۸۷). پرورش رغبت و انگیزه در تفکر کودکان، نشریه کودک، شماره ۳۶.
- قلی زاده، رضا (۱۳۹۵). بررسی راهبردهای تربیتی خانواده در قرآن و صحیفه سجادیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
- کاوه، منیژه؛ کرامتی، هادی؛ مرادی، علیرضا (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه کارکرد خانواده و سیمای روانشناختی فرزندان شاهد، نوآوری‌های آموزشی، دوره ۴، شماره ۱.
- کلینی رازی، محمدبن یعقوب (۱۳۹۲). ترجمه و شرح اصول کافی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، ج ۳ و ۶، تهران: اسلامیه.
- گروئلند، نرمان ادوارد (۱۳۸۲). هدف‌های رفتاری برای تدریس و ارزشیابی، ترجمه امان‌الله صفوی، تهران: رشد.
- گنجی، حمزه؛ بابازاده، مسعود (۱۳۹۳). روانشناسی رشد، ج ۱. تهران: ساوالان.
- مایرز، دیوید (۱۳۹۲). روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه حمیدشمسی پور، مهدی رضاسرافراز، شقایق زهرایی و فاطمه قاسم بروجردی. تهران: ارجمند.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۵). میزان الحکمه، قم: دارالحديث.
- مرعشی، سیدعلی (۱۴۰۰). درس‌نامه روان‌شناسی اسلامی، اهواز: موسسه فرهنگی هنری آداب، انتشارات معتبر.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). به سوی خودسازی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

(ره).

- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، ج ۲۵، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). *انسان کامل*، تهران: صدرا.
- مظاهری، حسین (۱۳۹۱). *اخلاق در خانواده*، تهران: معارف.
- معین، محمد (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی*، تهران: فرهنگ نما.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). *تفسیر نمونه*، ج ۳، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- مکتبی فرد، لیلا (۱۳۸۸). *انواع تفکر و ارتباط آنها با تأکید بر تفکر انتقادی*، فرهنگ، شماره ۶۹.
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۸۰). *اسوه حسنه از دیدگاه قرآن کریم*، مجله پیام صادق، شماره ۳۹.
- میلتن برگر، ریموندجی (۱۳۹۲). *اصول و روش‌های تغییر و اصلاح رفتار*، ترجمه شهناز محمدی و کبری جمشیدی، تهران: ارسباران.
- ناصری، علیرضا (۱۳۸۸). *بحران معنویت در عصر حاضر، ریشه‌ها و راهکارها*، قم: جامعه المصطفی العالمیه.
- نراقی، احمد (۱۳۹۲). *معراج السعاده*، قم: انتشارات علویون.
- نورمفیدی، سید کاظم (۱۳۹۹). *تراز خانواده اسلامی اهمیت تشکیل، عوامل تحکیم*، قم: بوستان کتاب.
- یوسف پور، لیلا (۱۳۹۷). *تربیت قرآنی خانواده در عصر حاضر و چالش‌های پیش رو در بین جوانان*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

استناد به این مقاله: رشیدی، شیرین، سربار، سمیرا. (۱۴۰۳). نقش خانواده در اصلاح رفتار کودکان از منظر متون اسلامی «با تأکید بر ساحت‌های شناختی، گراشی و رفتاری»، *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۵(۶۰)، ۱۴۷-۱۹۲. DOI: 10.22054/QCCPC.2024.74399.3142



Counseling Culture and Psychotherapy is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.